

گرامی باد ۲۲ بهمن
نخستین سالروز قیام
خلق قهرمان ایران



گرامی باد ۱۹ بهمن
حماسه سیاهکل
دهمین زادروز فدائی خلق

چهارشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۵۸

۱۶ صفحه - قیمت ۲۰ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال اول - شماره ۴۴

نتایج انتخابات و اولین خطابه رئیس جمهور!

چرا نزدیک به چهل درصد مردم یعنی هشت میلیون نفر
از واجدین شرایط در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نکردند؟

اگر تعداد رای دهندگان
را همانگونه که دولت قبلا
اعلام کرده است، ۲۲ میلیون
در نظر بگیریم معلوم می شود
که ۴۰٪ از مردم یعنی ۸
میلیون تن از واجدین
شرایط در انتخابات شرکت
نکرده اند. اینها چه کسانی
بوده اند؟ کاملا روشن است.
خلق کرد، خلق ترکمن و سایر
خلق های ایران و میلیون ها
تن از دیگر هم میهنان ما در
انتخابات شرکت نداشته اند.
مردمی که در انتخابات شرکت
نکرده اند کسانی هستند که
قانون اساسی قبلا اراده آنها
را نادیده گرفته است.
بقیه در صفحه ۶

نکاتی پیرامون

برنامه و سیاست مجاهدین خلق ایران

چرا پشتیبانی ما از برنامه مجاهدین خلق مشروط بود؟

در مبارزه انتخاباتی،
ریاست جمهوری ایران
نیروهای مختلف و هر یک
کاندیداها برنامه خود را
مطرح ساختند تا توده مردم
با قضاوت درباره آنچه که
یک کاندیدا تعهد می کند،
انجام دهد، چه
دقیق تری از خط مشی و
سمت گیری کاندیداها به دست
آورند.
و نیروهای سیاسی بتوانند
موضع خود را نسبت به
آن مشخص سازند.
بقیه در صفحه ۱۴

کارگران صنایع فولاد اهواز قاطع و یولادین علیه امپریالیسم

* قائم مقام فعالی پروژه فاسترویلر - تهران جنوب، کوشش کارگران مبارز را
برای بالابردن آگاهی خود و مستشکل ساختن طبقه کارگر ایران را که شرط
ضروری پیروزی بر امپریالیسم است را "خرابکاری" و "حرکات ضدانقلابی"
می نامد
در صفحه ۸

"وحدت کلمه" و وحدت عمل شورای انقلاب با امپریالیسم آمریکا

شرکت جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس اسلامی
پاکستان "بار دیگر ماهیت "شورای انقلاب" را به نمایش
گذاشت. و برای دیر باورترین کسان نیز، این حقیقت را که
"شورای انقلاب اسلامی" در اختیار سرمایه داران لیبرال
ایران است، حداقل مطرح نمود.

هدف از "کنفرانس اسلامی پاکستان" که به دستور
امپریالیسم آمریکا و با شرکت همدستان و نوکران امپریالیسم
مطلق ملک حسین، ملک خالد، صدام حسین
سلطان قابوس، ضیاء الحق و امثالهم تشکیل شده است
تشکیل جبهه نیروها و رژیم های ارتجاعی دست نشانده
امپریالیسم آمریکا در منطقه است که می باید به جای اتحاد
مردم "سنتو" وظیفه سرکوب جنبش های ضد امپریالیستی و
ترقیخواه در منطقه را برعهده گیرد.

سیاست خارجی نمی تواند از سیاست داخلی جدا و
غیر قابل ارتباط توصیف شود. در حقیقت سیاست شرکت در
"کنفرانس اسلامی پاکستان" ادامه سیاست های داخلی است
که شورای انقلاب که همان دولت بازرگان با نامی دیگر
است از آغاز قیام تاکنون در پیش گرفته است. بازرگان ها
بهشتی ها، رفسنجانی هادر زمینه سیاست داخلی، سیاست
سرکوب نیروهای انقلابی، تخریب دستاوردهای انقلاب،
دعوت از سرمایه داران وابسته و ابقای قرارداد های
اسارت بار امپریالیستی را به پیش راندند، در زمینه
سیاست خارجی نیز نمی توانند طالب تشکیل بلوک های
سیاسی ارتجاعی برای سرکوب جنبش های ضد امپریالیستی
و ترقیخواه منطقه نباشند.

آنها که همیشه کوشیده اند، نیروی انقلابی توده ها را
مهار کنند، تا آنجا که می توانند از هیچ کوششی برای منحرف
ساختن مبارزه مردم علیه امپریالیسم آمریکا کوتاه می
نمی کنند، سرمایه داران لیبرال که در شرایط کنونی مهمترین
پایگاه امپریالیسم آمریکا در میهن ما هستند از قیام تاکنون
برای ابقای سلطه امپریالیسم آمریکا در میهن ما کوشش
کرده اند. شرکت در "کنفرانس اسلامی پاکستان" این مسئله
را آشکار می کند که چه پیوند استوار بین سرمایه داران
لیبرال با امپریالیسم آمریکا و دولت های دست نشانده
منطقه وجود دارد.
* برای روشن تر شدن این مطلب به مقاله "شورای انقلاب،
وزارت کشور با کمک های ۴۰ میلیون تومانی، ضد انقلاب را در
افغانستان تقویت می کند" مراجعه کنید. (در صفحه ۲)

در این شماره:

نقدی پیرامون مقاله

"اکنون میسم و آنارشیسم در حرف دشمن یکدیگرند
و در عمل دست یکدیگر را می فشارند"
در صفحه ۱۲

شورای انقلاب ماهیت ضد کارگری خود را نشان داد
در صفحه ۵

نخستین سالگرد قیام خلقهای قهرمان ایران

دهمین سالروز حماسه سیاهکل

تولد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

را در سراسر میهن

هر چه باشکوهرتر برگزار کنیم

گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دموکراتیک مبارزه میکنند

وقتی که خلق بداند

هر قطره خون تو محراب می شود

وقتی مردم مهاجمین را فراری می دهند با دهان خونین و پیراهن پاره از جا بلند می شود سرش گیج می رود. پیرمردی گیف اورابه دستش می دهد. رنگ پاش را توی جوی آب پیدا می کند. برمی گردد و شعار را تکمیل می کند.

"..... امریکا"
راه می افتد وقتی می رسد سر قرار ده دقیقه دیر شده. رفیق با وانگه می کند. دستش را می فشرد بسته اعلامیه را به دستش می دهد. او چیست پاره اش را جستجو می کند.
"رفیق، بونزه دریا ل پول ماشین پیدا وادم"
سکه ها خونین است رفیق به او خیره نگاه میکند که با بسته اعلامیه به سرعت از عرض خیابان می گذرد.....

"وقتی که خلق بداند هر قطره خون تو محراب می شود"

به سرگردگی.....
کسی دستش را می گیرد. به سرعت برمی گردد. چند نفر محاصره اش کرده اند همه ریش دارند. همه کلاه دارند. همه انگشتر دارند. همه دندان قروچه می روند با هم می پرسند "برای کی شعار می نوشتی؟"
"به شمار بی نمداره، سانسورچی هستی پیا ساواکی؟"

یکی شان جواب می دهد: "هم سانسورچی، هم ساواکی، هم سیائی، هم دشمن دزجه یک فدائی" و می گویند: "مرگ بر فدائی" پاسخ می دهد: "مرگ بر امپریالیسم و مزد وراثت"
چند نفری به او حمله می کنند. با مشت و زنجیر و چوب چوب را از دست یکی از مهاجمین می گیرد، مشت به یکی از مهاجمین می کوبد و...

زنگ آخربه صدا درمی آید کیفش را برمی دارد و به سرعت از حیاط می گذرد و پا به خیابان می گذارد. خیابان شلوغ است و سرعت ماشین ها کم. حساب می کند.
"باتا کسی برم زود تر می رسم یا پیاده؟"
"ده دقیقه وقت دارم می رسم. بونزه دریا ل پول ماشین رو هم رد می کنم برای سازمان"

از عرض خیابان می گذرد، وارد پیاده روی می شود، دیوارها پوشیده است از شعار، میان شعارها دنبال سازمان می گردد. پیش از آنکه شعار دلخواه را پیدا کند جای مناسبی برای شعار نویسی می باید، قدم ها را آهسته می کند. اطراف را می باید رنگ پاش را از کیف مدرسه اش بیرون می آورد و می نویسد.
"مرگ بر امپریالیسم جهانی"



سلامتی آیت الله خمینی را آرزوی کنیم

خبر بیماری آیت الله خمینی مردم مین ما را در اندوه و تامل عمیق فرو برده است. عناصر وابسته به امپریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران که اکنون در شورای انقلاب، ارتش و دستجات لیبرال گرد آمده اند، این فرصت را نیز غنیمت شمرده و برای قبضه کامل قدرت و تحکیم سلطه امپریالیسم امریکا آماده می شوند.
امپریالیسم امریکا، دوستان و جاسوسان آن و همه احزاب و محافل سرمایه داران لیبرال در میان کسانی که حکومت را در دست دارند، قبل از همه با آیت الله خمینی، دشمن اند. از همین رویت که بیماری ایشان بویژه در شرایط مبارزات ضد امپریالیستی توده های مین ما اوج تازه ای گرفته است، موجب شادمانی دشمنان خلق ایران و نگرانی مردم مین ما و کلیه انقلابیون کمونیست و دیگر نیروهای مبارز و ضد امپریالیست گردیده است.
سازمان چریک های فدایی خلق ایران ضمن تاکید بر ضرورت وحدت همه نیروهای مبارز و ضد امپریالیست با انقلابیون کمونیست که تمام توان خود را برای درهم شکستن جبهه ضد خلقی سرمایه داران لیبرال و امپریالیست های حامی آن به کار گرفته اند، بهبودی هرچه سریع تر آیت الله خمینی را آرزو می کند.

سازمان چریک های فدایی خلق ایران
جمعه ۵ بهمن ۱۳۵۸

الف: ۷۵

شورای انقلاب، وزارت کشور، با کمکهای ۴۰ میلیون تومانی ضد انقلاب را در افغانستان تقویت میکند

"وحدت کلمه" و وحدت عمل شورای انقلاب با امپریالیسم امریکا

در شرایطی که مردم زحمتکش مین ما بیشترین فشارهای اقتصادی را تحمل می کنند شورای انقلاب، وزارت کشور و سازمان برنامه بودجه تحت عنوان کمک به "پناهندگان مسلمان افغانی" میلیونها تومان از ثروت کشور را خرج ضدانقلاب در افغانستان می کنند.

Official document from the Ministry of the Islamic Revolution of Iran, dated 1358/10/17. It contains text regarding the support of the Afghan revolution and mentions the 'Unity of Word' and 'Unity of Action' of the Islamic Revolution Council.

Official document from the Ministry of the Islamic Revolution of Iran, dated 1358/10/17. It contains text regarding the support of the Afghan revolution and mentions the 'Unity of Word' and 'Unity of Action' of the Islamic Revolution Council.

نشان می دهد چگونه شورای انقلاب و وزارت کشور با بهانه قرارداد دفاع از اسلام، ۴۰ میلیون تومان در اختیار افغان های مرتجع قرار داده اند.
چرا شورای انقلاب و وزارت کشور چنین هزینه های گزافی را به مردم زحمتکش مین ما تحمیل می کنند؟
چرا سازمان برنامه چنین بودجه ای را تامین می کند؟
امروز همه می دانند که در پاکستان، امپریالیسم امریکا با ایجاد پایگاه های نظامی، ایادی فئودال ها و دار و دسته محمد ظاهر شاه و داود خان را آموزش می دهد تا بنام "نهضت اسلامی افغانستان" بساط غارتگری فئودال ها و تاج و تخت محمد ظاهر شاه و داود خان را مجددا راه بیاندازند.

مردم ما از خود می پرسند، چطور شد امپریالیسم امریکا و مقامات ایرانی، درباره "وحدت عمل" پیدا کرده اند؟
مردم ما کمک های میلیونی شاه سابق را به داود خان این دست نشانده امپریالیسم امریکا را بیاد دارند.
آیا این کمک ها ادامه همان کمک ها نیست؟

می دانیم، گرانی بیاداد می کند، گوشت نایاب است، تخم مرغ پیدا نمی شود، صف مردم برای خریدن نان از صف اتوبوس های شرکت واحد هم درازتر شده است، اما هنوز کسی خم به ابرو نمی آورد، مردم انقلاب کرده اند و انتظار می کشند، شاید کارها درست شود، شاید دشواری ها برطرف شود.

در این شرایط، شورای انقلاب از دست مزد کارگران می زند، حقوق کارمندان را کسر می کند، نام خارج ضد انقلاب را در افغانستان تامین کند و میلیون ها تومان پول مردم زحمتکش مین ما را به جیب فئودال های افغانی و دار و دسته فراری ظاهر شاه و داود خان بریزد و آنها را مسلح کند تا در کشور خود جنگ داخلی راه اندازند.

گویا رفسنجانی، وزیر کشور و عضو برجسته شورای انقلاب از هیچ کوششی برای خدمت به امپریالیسم کوتاهی نمی کند. رفسنجانی و دیگر یارانانش در شورای انقلاب پس از مسلح کردن فئودال ها و عناصر ضد انقلاب سیستان، بلوچستان و فارس به فکر تقویت ضد انقلابیون افغانی افتاده است. در زیرسدهای داریم که

نظام سرمایه داری وابسته باید نابود شود

شورای سرپرستی دستاورد تازه مبارزات کارگران شوفازکار

به دنبال مبارزه کارگران شوفازکار برای اصلاح طرح طبقه بندی مشاغل و گرفتن سود ویژه... کارگران از شورای کارخانه می خواهند که چهار نفر از کسانی را که دست کار فرما هستند، اخراج نماید.

مدیران و سرپرستان و جاسوسان کار فرما در مقابل خواست انقلابی کارگران ایستادگی می کنند و در روزار کار تحصن می کنند.

کارگران در غیبت مدیران سرپرستان، کارمندان و هم چنین عده ای از کارگران فنی که فریب کار فرما را خورده بودند، برای اینکه جریان تولید بدون وقفه ادامه یابد، شورای سرپرستی برای اداره امور قسمت ها تشکیل دادند و با شور و اشتیاق فراوانی قسمت های مختلف کارخانه را اداره کردند.

کار فرما و سرمایه گذار کارخانه برای مقابله با اقدام انقلابی کارگران، هیئتی را تدارک می بیند. ترکیب هیئت طوری انتخاب شده بود که بتواند روی اعتقادات مذهبی کارگران اثر گذاشته و قضیه را از این طریق به سود کار فرما و سرمایه گذار فیصله دهد.

هیئت مزبور مرکب بود از رضائی، چند نفر از حاجی ها و یک نفر معلم! در جلسه ای که با حضور نمایندگان متحصنین و شورا با هیئت تشکیل شد، هیئت و همه افراد آن جانب کار فرما و سرمایه گذار را گرفت. هیئت کارگران را به دلیل مبارزه حق طلبانه شان مورد اهانت قرار داده و اخراج عده ای از مبارزترین و آگاه ترین کارگران کارخانه شوفازکار را در دستور کار خویش قرار می دهد.

هیئت با دفاع از حاجی ها، سرمایه گذار کارخانه که از دوستان نزدیک بازرگان و امیر انتظام است، نشان داد که چگونه از منافع طبقه سرمایه دار ایران دفاع می کند و همه هیاهوی افراد آن در دفاع از کارگران تنها برای عوام فریبی است.

نقدی پیرامون مقاله "اکونومیسم و آنارشیزم"...

بقیه از صفحه ۱۲

بر اساس تجارب سیاسی توده های وسیع خرد بورژوازی قدرت نفوذ و استقلال می یابد. سیاست مستقل پرولتاریائی تنها و تنها در صورت شرکت فعال انقلابیون در مبارزات بطور عینی در حال گسترش و از طریق ارائه راه حل های مشخص برای مشکلات و مسائل مطروحه در سطح توده ها، قدرت نفوذ می یابد. زمانی که طبقه کارگر قادر باشد برای معضلات اجتماعی که جامعه با آن درگیر است راه حل های خاص خود را به توده ها ارائه دهد و به آنها فرصت دهد که از طریق تحارب سیاسی خود، صحت آن را، عمل بیازمایند، صف مستقل معنی پیدا می کند. ما یک بار دیگر اعلام می داریم که صف مستقل بدون سیاست مستقل و در اینجا اضافه می کنیم که عینیت این سیاست مستقل تنها در گروی این است که توده های میلیونی خرد بورژوا حضور و شرکت فعال طبقه کارگر را در مبارزه علیه دشمنان خود احساس کرده و به آن باور داشته باشد. این بر عهده انقلابیون کمونیست است که به توده های خرد بورژوا نشان دهند که رهائی جامعه از سلطه امپریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران در گروی اتحاد آنان با طبقه کارگر است. این بر عهده انقلابیون کمونیست است که نشان دهند تنها طبقه کارگر میهن ما "قلب اجتماعی و مغز اجتماعی" است.

زمانی که از حمایت پرولتاریا از خرد بورژوازی بطور کلی و مجرد، بحث میشود باید بر جنبه مشروط و موقتی بودن و تمایز این دو تاکید شود. ناپیگیری خرد بورژوازی و تنزل آن نسبت به پرولتاریا و موقتی بودن هر حمایتی از آن در چارچوب مراحل استراتژیک انقلاب قابل تاکید بوده و همواره باید ترویج شود. لیکن زمانی که مسئله بطور مشخص مطرح است، مثلا در مبارزه این دو با امپریالیسم و لیبرال ها، مشروط کردن حمایت پرولتاریا از خرد بورژوازی در حالی که علیه امپریالیسم مبارزه می کند ناقص حمایت است.

حمایت مشروط از خرد بورژوازی به مفهوم آن است که وقتی خرد بورژوازی علیه دشمن مشترک مبارزه می کند مورد حمایت پرولتاریا قرار می گیرد ولی هنگامی که

این مبارزه نیستند. همانگونه که در کار ۳۴ در مقاله بازگشائی دانشگاه ها پیش بینی کرده بودیم، این جریانات با حفظ مواضع کنونی هرگز به نیروی توده های تبدیل نشده و زیر فشار عینیت مبارزه طبقاتی، تجزیه خواهند شد. اگر "حزب توده" با پنهان کردن گرایش غیر دمکراتیک و سرکوبگرانه و ارتجاعی خرد بورژوازی، با تحریف ولایوشانی حقایق مربوط به سیاست خرد بورژوازی با بورژوازی لیبرال و با تلاش در جهت یکسان جلوه دادن سیاست پرولتاریا با سیاست خرد بورژوازی در مبارزه طبقاتی میهن ما بر تمایزات پرولتاریا و خرد بورژوازی سایه انداخته و آن را مخدوش می سازد، اکونومیست ها و آنارشیزم ها نیز با یکی گرفتن خرد بورژوازی و طبقه کارگر در عمل به همان سیاست در غلطیده و مانع از به نمایش گذاردن تمایزات طبقاتی پرولتاریا و سیاست های آن خواهند بود.

به این ترتیب مبنای اصولی حمایت پرولتاریا از خرد بورژوازی علاوه بر اشتراک منافع آنها در مبارزه با دشمن مشترک، تقویت و توان بخشی، بلوک تاریخی طبقاتی خلق در مبارزه علیه امپریالیسم و طبقه سرمایه دار وابسته بدان است.

همچنانکه مبنای اصلی مبارزه پرولتاریا با خرد بورژوازی، روی بر تافتن او از مبارزه با دشمن مشترک و مقابله با جنبش پرولتاریائی است.

نکته مهم این است که وحدت خرد بورژوازی با پرولتاریا در مبارزه پرولتاریا با آن مفهوم می یابد. این به معنی آن است که اساس هرگونه حمایتی از خرد بورژوازی بر حفظ استقلال سیاسی و ایدئولوژیک پرولتاریا استوار است. هر حمایت پرولتاریا از خرد بورژوازی به معنی معرفی و توضیح سیاست مستقل خود است.

تنها با چنین شرطی است که بلوک تاریخی - طبقاتی خلق، پر خروش و پرتوان علیه امپریالیسم باقی می ماند. و دمکراتیسم پیگیر پرولتاریا، در مواجهه با دمکراتیسم ناپیگیر خرد بورژوازی تلاش خواهد کرد و در خشنودی، می یابد و

کنار سرمایه داری وابسته قرار دارند و چه اکونومیست ها و آنارشیزم ها، گرایش خرد بورژوازی به سازش با بورژوازی را، که بازتاب موقعیت طبقاتی خرد بورژوازی است، وحدت بدون تضاد با بورژوازی می پندارند و به ناچار مجبورند علیرغم اعتقاد صوری شان به انقلاب دموکراتیک توسعه ای خرد بورژوازی را در بلوک ضد انقلاب قرار دهند و طبقه کارگر را با دور کردن از متحدین خود به انزوای سیاسی مهلکی سوق دهند. آنها در عمل به تضعیف جنبه خلق کمک می کنند و زمینه را برای تحکیم سلطه امپریالیسم فراهم می آورند.

اکونومیسم و آنارشیزم نه تنها مبارزه طبقاتی را بطور قانونمند درک نمی کند بلکه اصولا از دیدن مبارزه طبقاتی بطور عینی در حال گسترش ناتوان است و قادر نیست بطور عملی و از موضع مصلحت پدیده ها را بررسی کند. آنها وقتی می بینند خرد بورژوازی و نمایندگان سیاسی آن، سیاستی ارتجاعی در پیش می گیرند و به سرکوب کارگران و زحمتکشان می پردازند تعجب کرده و باور نمی کنند که خرد بورژوازی، ناپیگیر و پرنوسان و متزلزل است. در تئوری و عمل آنها تنها یک چیز وجود دارد. توهمی از "پرولتاریائی که در واقعیت هیچ ربطی با پرولتاریا ندارد.

آنها در گفتار موجودیت تاریخی و طبقاتی خرد بورژوازی را می پذیرند لیکن در عمل خرد بورژوازی ناپیگیر، متزلزل و پرنوسان را همان پرولتاریای پی گیر و تابه آخر انقلابی می شناسند. آنها از خرد بورژوازی همان را طلب می کنند که برای پرولتاریای مجهز به آگاهی و شعور طبقاتی قائلند.

بنابراین با ناباوری به مبارزات ضد امپریالیستی خرد بورژوازی نگاه می کنند. فی المثل اشغال سفارت را توطئه و ضد امپریالیست بودن خرد بورژوازی و جناح سیاسی آن در حاکمیت را دروغین می دانند و طبیعی است که حمایت از مبارزات آن را نیز نپذیرند.

برای این جریان ها کیفیت حمایت پرولتاریا از مبارزه خرد بورژوازی و نمایندگان سیاسی آن علیه امپریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران مطرح نیست چون در عمل قائل به

حمایت پرولتاریا از مبارزه خرد بورژوازی و نمایندگان سیاسی آن علیه امپریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران مطرح نیست چون در عمل قائل به

حمایت پرولتاریا از مبارزه خرد بورژوازی و نمایندگان سیاسی آن علیه امپریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران مطرح نیست چون در عمل قائل به

کنار سرمایه داری وابسته قرار دارند و چه اکونومیست ها و آنارشیزم ها، گرایش خرد بورژوازی به سازش با بورژوازی را، که بازتاب موقعیت طبقاتی خرد بورژوازی است، وحدت بدون تضاد با بورژوازی می پندارند و به ناچار مجبورند علیرغم اعتقاد صوری شان به انقلاب دموکراتیک توسعه ای خرد بورژوازی را در بلوک ضد انقلاب قرار دهند و طبقه کارگر را با دور کردن از متحدین خود به انزوای سیاسی مهلکی سوق دهند. آنها در عمل به تضعیف جنبه خلق کمک می کنند و زمینه را برای تحکیم سلطه امپریالیسم فراهم می آورند.

اکونومیسم و آنارشیزم نه تنها مبارزه طبقاتی را بطور قانونمند درک نمی کند بلکه اصولا از دیدن مبارزه طبقاتی بطور عینی در حال گسترش ناتوان است و قادر نیست بطور عملی و از موضع مصلحت پدیده ها را بررسی کند. آنها وقتی می بینند خرد بورژوازی و نمایندگان سیاسی آن، سیاستی ارتجاعی در پیش می گیرند و به سرکوب کارگران و زحمتکشان می پردازند تعجب کرده و باور نمی کنند که خرد بورژوازی، ناپیگیر و پرنوسان و متزلزل است. در تئوری و عمل آنها تنها یک چیز وجود دارد. توهمی از "پرولتاریائی که در واقعیت هیچ ربطی با پرولتاریا ندارد.

آنها در گفتار موجودیت تاریخی و طبقاتی خرد بورژوازی را می پذیرند لیکن در عمل خرد بورژوازی ناپیگیر، متزلزل و پرنوسان را همان پرولتاریای پی گیر و تابه آخر انقلابی می شناسند. آنها از خرد بورژوازی همان را طلب می کنند که برای پرولتاریای مجهز به آگاهی و شعور طبقاتی قائلند.

بنابراین با ناباوری به مبارزات ضد امپریالیستی خرد بورژوازی نگاه می کنند. فی المثل اشغال سفارت را توطئه و ضد امپریالیست بودن خرد بورژوازی و جناح سیاسی آن در حاکمیت را دروغین می دانند و طبیعی است که حمایت از مبارزات آن را نیز نپذیرند.

برای این جریان ها کیفیت حمایت پرولتاریا از مبارزه خرد بورژوازی و نمایندگان سیاسی آن علیه امپریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران مطرح نیست چون در عمل قائل به

حمایت پرولتاریا از مبارزه خرد بورژوازی و نمایندگان سیاسی آن علیه امپریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران مطرح نیست چون در عمل قائل به

حمایت پرولتاریا از مبارزه خرد بورژوازی و نمایندگان سیاسی آن علیه امپریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران مطرح نیست چون در عمل قائل به

فدائیان خلق در زندان جمهوری اسلامی

در شماره گزارش یکی از فدائیان خلق را که از زندان اوین آزاد شده بود، درج کردیم. در این شماره گزارش یکی دیگر از بازداشت شدگان را به چاپ می‌رسانیم تا مردم میهن ما از آنچه که در زندان‌های جمهوری اسلامی بر انقلابیون می‌گذرد، آگاهی یابند.

XXXXXX

در دوران قیام مانند اغلب اهالی محصل در راهییمائی‌ها شرکت می‌کردم و با جوانان محل دورهم جمع می‌شدیم و بحث می‌کردیم در تمام مبارزات شرکت کردیم و چون در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن با علاقه در حمله به پادگان‌ها هر طور که می‌توانستیم در دستمان برمی‌آمد کوتاهی نکردیم و بیشتر به همسین دلیل توکوچه سرشناس شدیم و فکرمی‌کنم بعضی از اهالی محل که دل خوشی از ما ندارند و با پاسداران ارتباط دارند، مرابه‌عنوان چپ معرفی کردند و از همین جا متوجه شدم که منزل ما مکررا تحت نظرمی‌باشد. یک روز که به منزل رفتم، دیدم که پاسداران در خانه‌مان منتظر من هستند. یک ورقه‌ما موربیت هم داشتند. قبل از رسیدن

من تمام خانه را زیرورو کرده و همه‌جا را گشته بودم. تعدادی عکس و اعلامیه رانیز برداشتند و مرابه داخل اتوموبیلی بردند. ۷ پاسدار مسلح سرنشین اتوموبیل بودند. سردسته آنها گفت:

"به اداره چهارم برویم" در راه شروع به فحش دادن به فدائیان کردند. چشم‌هایم را بستند ولی فهمیدم که به در ورودی سلطنت آباد رسیده‌ایم. بعد از مدتی گفتند:

"بروید اداره پائین"

دوباره حرکت کردیم به پادگانی رسیدیم که بعد فهمیدم عشرت آباد است. به اطرافی رفتیم بعد از بازدید بدنی دستم را از پشت با دستبند بستند و پس از بستن چشم‌هایم مرا به سلولول انداختند و رفتند. تا صبح با همان وضع ماندم. صبح آمدند سراغم. با چشم بسته مرا بردند وسط پادگان، چشم‌هایم را باز کردند. دو سلولول انفرادی و دوزندان عمومی در آنجا بود که تازه ساخته بودند برخلاف روز قبل در اینجا پاسدارها حتی یک کلمه

نویسند. امیز به زبان نیاوردند. این‌ها بسیار آدم‌های سناده و صادقی بودند که ذهن آنها را شدیداً نسبت به نیروهای چپ و سایر نیروهای انقلابی بدبین کرده بودند. دولتی آروزهای خوبی داشتند و می‌خواستند به این آروزها برسند و از اینکه ما رادستگیر کنیم، راضی نبودند. تا پنج روز هرسب دستهایم را بستند می‌زدند و روز دوم یک بازجو آمد که صورتش را ندیدم چون خودش را پوشانده بود. وارد سلول شد و چند سؤال را که روی کاغذ نوشته بود، به من داد و رفت.

"اسم برادران و خواهران و دوستان خود را بنویسید. به چه کشورهایی مسافرت کرده‌اید؟ باکی به مسافرت رفته‌اید؟ نظرتان راجع به انقلاب ایران چیست؟ نظرتان راجع به کمیته‌ها و سپاه پاسداران چیست؟ عضو چه گروه، سازمان و یا حزبی هستید؟ از برادران و دوستان چه کسانی عضو حزب یا گروهی هستید؟ هوادار چه گروه یا حزبی

هستید؟ آیا در جریان قیام اسلحه به دست آوردید؟ آیا برادران و دوستان اسلحه دارند؟ نظرت راجع به روحانیت چگونه است؟ راجع به دانشجویان خط امام چطور فکر می‌کنی؟ نظرت راجع به افشاگری آنها چطور است؟ هفته‌پیش بود‌اید، چه کار کرده‌اید و چه صحبت‌های رد و بدل شد؟"

و از این سؤال‌ها. در روز اول و روزهای بعد کاغذ بازجویی را از سوراخ سلول به ما می‌دادند. بعد از این بازجویی‌ها سزاغم نیامدند.

در سلول مجاور یک بلوچ بود و زندان مجاور هم چند نفر از بلوچستان آورده بودند که بلا تکلیف بودند. از قرار معلوم آنجا زندان موقت بود پس از تشکیل پرونده از آنجا به اوین می‌فرستند. روز هشتم اعتصاب غذا کردم که چرا به وضع من رسیدگی نمی‌شود. بعد از چهار روز بازجو آمد ولی نتوانست با سلطنت آباد تماس بگیرد

روز شانزدهم از اطاق بازجویی تکان نخوردم و فشار آوردم که وضع را معلوم کنند ولی کسی پیدانشد تا پرونده مرا مطالعه و رسیدگی کند. به نظرمی‌رسد کمیته تحقیق در سلطنت آباد مستقر است و مرکب از همین پاسداران می‌باشد. بالاخره یک بازجو که جوان بیست و دو ساله‌ای به نظرمی‌رسید، آمد و قول داد که تا آخر هفته به وضع من رسیدگی کند. در همین فاصله آنها دوتن از دوستانم رانیز بازداشت کردند. و پس از چند روز بازجویی آنها را آزاد کردند اما این بازجو غیب شد. هر چه به مرکز سلطنت آباد تلفن شد کسی از وضع من خبر نداشت. سرانجام شخصی بنام "اصغر وصالی" که به فدائیان فحش می‌داد و دروغ‌های عجیب و غریبی می‌گفت، از من بازجویی کرد.

بعد از مدتی، به اتفاق یکی از پاسداران به ستاد عطیات رفتیم. پاسدار همراه گفت: "من با ضمانت خودم ترا آزاد می‌کنم و فقط تعهدیده‌هر وقت سپاه ترا خواست، حاضر شوی." و من هم تعهد دادم و بیرون آمدم.

"آرینه اندان" (سالروز تأسیس جمهوری خودمختار کردستان) تجربه‌ای که از آن باید آموخت

دوم بهمن ماه، سالروز تأسیس جمهوری خودمختار کردستان بود.

۳۴ سال پیش در این روز پس از سالها مبارزه با رژیم دست‌نشانده امپریالیسم، نخستین جمهوری خودمختار کردستان تأسیس شد. تجربه نخستین جمهوری خودمختار کردستان، نشان داد که چگونه مبارزه خلق کرد، هرگاه با جنبش رهاغیخش خلقهای سراسر ایران پیوند نیابد و بروحدت خلقهای ایران در چهارچوب ایرانی آزاد و دمکراتیک نکند، نمی‌تواند به پیروزی دست یابد. امروز انقلابیون کردستان، بر این نکته تأکید دارند که مبارزه خلق کرد برای رهایی از سلطه امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته به آن، جزئی جدا نشدنی از مبارزه خلقهای سراسر ایران برای نابودی سلطه امپریالیسم و طبقه سرمایه‌دار وابسته به آن می‌باشد. امروز، ناسیونالیسم تنگ نظرانه بورژوائی جای خود را به اعتقاد عمیق زحمتکشان کردستان به پیوند با زحمتکشان سراسر ایران داده است. این تجربه بزرگ "آرینه اندان" که آرمان کنونی خلق کرد است، هر بار نیرومندتر از پیش از زبان قهرمانانی چون

شریف‌زاده، معینی، ملا آواره و هزاران شهید دیگر به گوش جهانیان رسیده است. امروز خلق کرد، در راه آرمان زحمتکشان سراسر ایران مبارزه می‌کند. امروز آرمان خلق کرد، از آرمان خلقهای سراسر میهن ما جدا نیست. کردستان خودمختار با نظام شورائی، در چهارچوب ایرانی آزاد و دمکراتیک گام بلندی است که خلق کرد برای رهایی برمی‌دارد. سازمان ما، با پر فروغ‌ترین امیدها برای خلق قهرمان کرد "آرینه اندان" را گرامی میدارد و بار دیگر بر آموزش‌های این تجربه بزرگ تأکید می‌ورزد. در مراسم بزرگداشت این روز که با شرکت همه مردم کردستان برگزار شده بود، پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان قرائت شد. در این پیام نکات زیر مورد تأکید قرار گرفت:

۱- طی سالهای طولانی مبارزه، خلق ما تجارب بس گرانبهایی اندوخته و از هر زمان دیگر نسبت به منافع واقعی خود آگاه‌تر گشته است. مردم ما می‌دانند که تنها از طریق اتحاد و سرسختی در مبارزه است که می‌توان حقوق

خود را از جنگ مهاجمین و غارتگران بازستاند. ۲- اکنون مبارزه حق طلبانه خلق ما را سازمان‌های سیاسی رهبری می‌کنند. وجود سازمان‌های سیاسی مترقی و انقلابی در کردستان یکی از عوامل بسیار مهم پیروزی جنبش مقاومت خلق کرد است دشمن همواره تلاش می‌ورزد میان مردم و نیروهای سیاسی تفرقه و جدائی ایجاد کرده و مردم را نسبت به سازمان‌های مبارز و انقلابی بدبین نماید. همچنانکه هیئت ویژه دولت تلاش دارد مردم را از هیئت نمایندگی خلق کرد، جدا کرده و میان نیروهای شرکت کننده در جنبش مقاومت چند دستگی و تفرقه ایجاد کند. ۳- امروز تمامی خلق کرد به خاطر کسب حقوق واقعی خویش به پا خاسته است و یکپارچه از اهداف هیئت نمایندگی خلق کرد پشتیبانی می‌کنند. هیچگاه چون امروز مبارزه حق طلبانه خلق ما چنین گسترده و عظیم نبوده است. بدون شک شرکت وسیع کارگران، دهقانان و همسایه زحمتکشان کردستان در این مبارزه یکی از شرایط اصلی پیروزی است. ۴- مبارزه انقلابی کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان در

سراسر ایران، به خاطر نابودی امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته روز به روز شدت می‌یابد. زحمتکشان می‌خواهند در ایران آزادی مستقل و به دور از دستگیری سرمایه‌داران غارتگر و زمین‌داران بزرگ زندگی کنند. خلق کرد همانگونه که در سرنوشت رژیم منقرض شده همگام و همراه با مردم سراسر ایران شرکت داشت، باید در مبارزه علیه امپریالیسم در حال حاضر نیز نقش واقعی خود را ایفاء کند. زیرا امپریالیسم و سرمایه‌داران و زمین‌داران چپاولگر مانع اصلی در راه تحقق خودمختاری واقعی خلق کرد می‌باشند. اتحاد کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان کردستان با زحمتکشان سراسر میهن در این مبارزه شرط حتمی پیروزی است. ۵- اکنون در سراسر جهان امپریالیسم جنایتکار آمریکا هر روز ضربات سنگین‌تری از جانب خلقهای تحت ستم و مبارزه انقلابی کارگران تحمل می‌نماید. هر روز کشورها و ملل بیشتری از قید و بند امپریالیسم رهایی می‌یابند. این پیروزی‌ها شرایط مساعدی برای پیروزی هر چه بیشتر دیکر حریفان تحت ستم

- گرامی باد خاطره
- آرینه اندان
- مستحکم باد وحدت
- انقلابی کارگران
- دهقانان و سایر
- زحمتکشان ایران
- مرگ بر امپریالیسم
- امریکا، دشمن اصلی
- خلقهای ایران
- سازمان چریکهای فدائی
- خلق ایران - شاخه
- کردستان - ۲ بهمن ۵۸

شورای انقلاب

ماهیت ضدکارگری خود را نشان داد

از جمله خواست‌های کارگران مبارز و آگاه ایران از همان دوران قیام کاهش ساعات کار در هفته از ۴۸ ساعت به ۴۰ ساعت بود. خواست غریزی کارگران برای کاستن از شدت بهره‌کشی سرمایه‌داران در طی مبارزات آنها به مرور در پیوند با افشاکاری و کارمزدوام سازمان‌های سیاسی مدافع طبقه کارگر، به تقاضاهای آگاهانه‌ای برای کسب حقوق اقتصادی و سیاسی ارتقاء یافت و همراه خود گسترش و استواری هرچه بیشتری به مبارزات طبقه کارگر داد.

اوایل مرداد ماه بود که فشار کارگران و اوچ‌گیری مبارزات آنها و حتی اجرای انقلابی "۴۰ ساعت کار در هفته" در بسیاری از کارخانه‌ها، شورای انقلاب را مجبور کرد که کاهش ساعات کار در هفته را بپذیرد و تصویب آن را اعلام کند. اما هنوز خبر تصویب این قانون به اکثر کارخانه‌ها نرسیده بود که داریوش فرهر وزیر کار کابینه بازرگان سرخستانه در مقابل اجرای آن ایستاد. به موجب سرکوبی که از اوایل مرداد ماه امسال شروع شد و فشار و خفقان ناشی از آن، موقتاً

دامنه مبارزات کارگران کاهش یافت. اما مشکلات اقتصادی و نابسامانی‌های اجتماعی و سیاسی عمیق تر از آن بود که این اقت موقتی دوامی داشته باشد. این بود که بار دیگر با مبارزات اقتصادی و سیاسی کارگران اجرای خواست‌های انقلابی خود را طلب کردند. ۴۰ ساعت کار در هفته بار دیگر از طرف کارگران مبارز و آگاه مطرح شد و برای اجرای آن مبارزات پیگیر آغاز گردید. فشار ناشی از مبارزات طبقه کارگر، شورای انقلاب جمهوری اسلامی را برای دومین بار واداشت که در تاریخ هفدهم دی ماه "لایحه برابری ساعات کار کارگران و کارمندان" را تصویب کند. شورای انقلاب اعلام کرد که "ساعات کار در هفته برای کارمندان و کارگران یکسان بوده و ۴۰ ساعت در هفته اعلام می‌گردد."

شنبه: چهارشنبه، روزی ۷ ساعت و پنج‌شنبه‌ها ۵ ساعت. هنوز یکی دو روز از اعلام تصویب این لایحه نگذشته بود که شورای انقلاب اعلام کرد: "در پی انتشار خبر مربوط به برابری ساعات کار کارمندان و کارگران که در

روزنامه‌های عصر هفدهم و صبح هیجدهم دی ماه همراه با اعلام روزهای تعطیل رسمی درج شده بود به اطلاع می‌رساند. ساعات کار ۴۰ ساعت در هفته، فقط برای کارمندان و کارکنان مشمول قانون استخدام کشوری بوده و ارتباطی به کارگران شاغل در واحدهای تولیدی و صنعتی و موسسات مشمول قانون کار ندارد و ساعات کار کارگران مشمول قانون کار همچنان ۴۸ ساعت در هفته می‌باشد."

به این ترتیب درگیری‌ها و تضادهای درونی شورای انقلاب به سود سرمایه‌داران لیبرال پایان گرفت و شورای انقلاب یکبار دیگر ماهیت ضدکارگری خود را به نمایش گذاشت و نشان داد که از منافع چه‌کسانی جانبداری می‌کند.

بدون تردید، طبقه کارگر ایران، آگاهانه‌تر و مصمم‌تر علیه اقدامات ضدکارگری شورای انقلاب، مبارزات خود را سازمان خواهد داد و برای دستیابی به حقوق صنفی و سیاسی خود از پای نخواهد نشست.

تحصن ۵۰۰ نفری کارگران چوکا

بیش از پنج هزار تن از کارگران چوکا دست از کار کشیدند. بر اساس گزارش‌های رسیده از رشت، به دنبال تحصن بیش از پنج هزار نفر از کارگران صنایع چوب و کاغذ چوکا، "داوران" استاندار استان گیلان به اتفاق حجت‌الاسلام "احسان بخش"

نمایند امام، به منظور رسیدگی به خواست‌های کارگران، عازم هشترطوالش شدند. بر اساس این گزارش، این گروه از کارگران ضمن اعتراض به عدم پرداخت مابه‌التفاوت دستمزد خود در محل این مجتمع دست به تحصن زده و با صدور یک

قطعه نامه ۱۴ ماده‌ای خواستار تصفیه کادر سازمانی مجتمع و رفع هرگونه تبعیض شدند. آخرین خبر رسیده حاکی از آن است که استاندار گیلان با کارگران مجتمع صنایع چوب و کاغذ، چوکا در حال مذاکره پیرامون خواسته‌هایشان است.

تحصن کارگران دوزندگی ناطمی

کارگران کارخانه دوزندگی ناطمی که در جاده کرج جنب تکنوکار واقع است و حدود ۱۰۰ نفر هستند، مدت ۲۵ روز است که در حال تحصن می‌باشند. صاحب کارخانه که از وابستگی رژیم سابق بوده و از چارگری به دربار و داشتن مهر "ضد اطلاعات" به خود می‌بالد، سالهاست که بهره‌کار کارگران را به جیب می‌زند (و این در حالی است که کارگران با حداقل دستمزد یعنی ۵۶۷ ریال مشغول کاری باشند). این سرمایه‌دار مرتباً کارگران را اخراج و بجای آنان کارگران جدید استخدام

می‌کند تا بدین ترتیب کارگران را کارآموز و بعداً دستمزد او از چختن مرایا به آنان بگذرد. رود. اما اینبار کارگران کارخانه متحداً در مقابل این مزدور به مقاومت برمی‌خیزند و از آنجا که صاحب کارخانه به خواسته‌های آنان توجهی نمی‌کند، کارگران تصمیم می‌گیرند جهت رسیدن به حقوق حقه‌شان دست به تحصن بزنند. خواسته‌های کارگران شامل:

- ۱- بیمه نمودن کلیه کارگران
- ۲- پرداخت سود ویژه
- ۳- پرداخت کمک هزینه مسکن و خواربار

۴- حق اولاد
۵- استخدام نمودن کارگران بطور دائمی
۶- مزد جهه و تعطیلات رسمی
۷- استفاده از مرخصی سالیانه
در طی مدتی که از تحصن می‌گذرد، "کمیته مرکزی" و "کمیته امداد امام" نامه کارگران را نمی‌پذیرند و "شورای پیگیری انقلاب" هم تاکنون جوابی به کارگران نداده است. وزارت کار هم عملاً جانب کارفرما را گرفته و بدین ترتیب این دستگاه‌ها حمایت خود را از کارفرما نشان داده‌اند.

اخبار کارگری جهان

عظیم‌ترین اعتصاب یکپارچه کارگران صنایع فولاد انگلستان

سرمایه‌داران می‌خواهند ۵۰۰۰۰ کارگر را اخراج کنند و مزدها را ۱۵ درصد کاهش دهند

بیش از ۱۰۰۰/۰۰۰ کارگر صنایع فولاد دست به اعتصاب زده‌اند. ۹۰/۰۰۰ نفر عضو اتحادیه کارگران فولاد است. کارگران ذوب آهن، تولیدات را در سراسر کارخانجات و کوره‌های ذوب آهن شرکت انحصاری فولاد انگلستان (بی-اس-سی) خوابانده‌اند. در سال گذشته سرمایه‌داران انگلیسی بیش از ۵٪ فولاد را از کارخانجاتی که کارگران شرکت انحصاری فولاد، تولید می‌کردند، به چنگ می‌آوردند (در حدود ۲ میلیون تن). سخنگوی اتحادیه کارگری در این مورد گفت: "ما اعتصاب می‌کنیم زیرا همه می‌بینند که پیشنهاد کارفرمایان در مورد دستمزدها در واقع سطح زندگی کارگران اعضاء اتحادیه‌های کارگری را ۱۵٪ کاهش خواهد داد. ما آن را قاطعانه رد می‌کنیم."

در نخستین روز اعتصاب علی‌رغم هوای سرد و باران صدها پست نگهبانی کارگران اعتصاب‌کننده کنترل مراکز صنعتی را به دست گرفتند. نگهبانان در تمام سرب‌های ورودی و خروجی کارخانجات به نگهبانی ایستادند. فقط مستخدمین و کارگران متخصص که تابع قرارداد دیگری با کارفرمایان هستند و هنوز مشغول مذاکره با سرمایه‌داران در مورد دستمزدشان هستند، اجازه داشتند وارد محوطه کارخانجات شوند.

کارگران اعلام کردند که به هیچ وجه فولاد از کارخانجات خارج نخواهد شد. دو اتحادیه کارگری مزبور نگهبانان سیار به سراسر کشور اعزام داشته‌اند تا نه تنها در ب‌های کارخانجات کنترل شود، بلکه تمام انبارهای فولاد و بنادر حمل و نقل را نیز کنترل کنند. این نگهبانی‌ها به خاطر این است که کارفرمایان از طریق صدور فولاد و فروش ذخائر فولاد نتوانند اعتصاب کارگران را درهم شکنند. بزرگ‌ترین اتحادیه کارگران راه آهن انگلستان و اتحادیه رانندگان لوکوموتیو انگلستان اعلام کردند که از هر نوع حمل

و نقل فولاد جلوگیری خواهند کرد. در این میان اتحادیه بارکشی و کارگران بنادر انگلستان نیز همبستگی خود را با کارگران اعتصابی اعلام کردند. دو روز بعد اتحادیه کارگران حمل و نقل و تولید نیزه ۱۵/۰۰ عضو خود را به شرکت در این اعتصاب فراخواند.

هنوز اتحادیه‌های کارگری معاف‌افزایش دستمزد درخواستی خود را اعلام نکردند. آنچه مسلم است افزایش دستمزد باید بیش از ۱۸٪ نرخ افزایش و ترقی قیمت مایحتاج زندگی باشد. کارگران اعتصابی صنایع فولاد انگلستان مصمم شده‌اند که به حملات و دستبردهای سرمایه‌داران قاطعانه پاسخ دهند. سخنگوی اتحادیه کارگری گفت: "این نخستین اعتصاب در عرصه ملی در ۲۵ ساله اخیر است که ما اعلام کرده‌ایم. ما اتحادیه کارگری مسئولی هستیم. ما همیشه مسئول رفتار کرده‌ایم. هرگاه ما همانگونه مسئولانه و قاطع رفتار کنیم، گلوی سرمایه‌داران را خواهیم فشرد."

امروز یک کارگر فولاد در هفته دستمزدی معادل ۵۰ پوند دریافت می‌کند. دو سوم تمام کارگران باید کار شیفتی انجام دهند. بیش از ۵۰۰۰ کارگر در سال گذشته مجبور شدند هر هفته ۸ تا ۹ ساعت اضافه کاری کنند.

بلافاصله پس از این اعتصاب بزرگ کارگران صنایع فولاد انگلستان، فدراسیون جهانی کارگران فلزیات، اتحادیه‌های کارگران فولاد را در سایر کشورها به پشتیبانی از کارگران فولاد انگلستان فراخواند. اعتصاب یکپارچه کارگران فولاد انگلستان بی‌تردید گلوی سرمایه‌داران انحصارات و دولت انگلستان را خواهد فشرد. دیری نخواهد پایید که کارگران انگلستان با پشتیبانی کارگران سراسر جهان، نظام ظالمانه سرمایه‌داری انحصاری (امپریالیسم انگلیس) را به گورستان روانه خواهند کرد.

نتایج انتخابات و اولین خطابه رئیس جمهور

بقیه از صفحه ۱

این ۸ میلیون به خاطر ماهیت ضد دموکراتیک قانون اساسی که حق انتخاب شدن انقلابیون کمونیست را برای ریاست جمهوری سلب کرده است، مصمم بودند در این انتخابات همانگونه که سازمان اعلام کرده بود به مسعود رجوی رای دهند، اما حذف مسعود رجوی سبب شد که اغلب آنها در انتخابات شرکت نکنند.

جوابی صدر انتخاب شد؟

در انتخابات ریاست جمهوری حق انتخاب شدن در انحصار کسانی بود که در حاکمیت بودند و همانگونه که می دانیم حکومت و قانون اساسی اش نه تنها حق انتخاب شدن را از نمایندگان سیاسی طبقه کارگر یعنی از انقلابیون کمونیست سلب کرده است، بلکه حتی کاندیدای سازمان مجاهدین خلق یعنی مسعود رجوی نیز از لیست کاندیدها حذف شد، بنابراین مردم فقط می توانستند رای خود را به یکی از کاندیداهای بدهند که در چارچوب مورد قبول حاکمیت باقی می ماند. در میان این کاندیدها سه تن مشهورتر از بقیه بودند و از سال گذشته تاکنون از طریق رادیو-تلویزیون، مطبوعات و غیره و نیز در هفته های اخیر پیش از بقیه کاندیدها به مردم معرفی شده بودند. این سه تن عبارت بودند از قطب زاده مدنی و بنی صدر. پس از این سه نفر، مردم فروهر و طباطبائی را می شناختند و حبیبی و سامی و مکرری را مردم کمتر می شناختند. بنابراین موضعی که مردم درقبال بنی صدر، قطب زاده و مدنی گرفته اند، از اهمیت زیادی برخوردار است. بنی صدر از ماهها پیش با سیاست های بازگان و شرکاء و باند چمران که مجریان سیاست های امپریالیسم آمریکا در میهن ما هستند کم و بیش خود را مخالف نشان داده بود. بنی صدر خود را طرفدار مبارزه با وابستگی و استقرار آزادی های سیاسی معرفی کرده بود. روزنامه انقلاب اسلامی او نیز با همه معايب و نقایص آن و با همه موضعگیری های خصمانه اش نسبت به مسایل مردم خلق های ایران، در مردم

این فکر را به وجود آورده بود که بنی صدر و یاران او هرچه باشند، با قطب زاده و مدنی و طباطبائی تفاوت دارند. بنابراین شرکت کنندگان در انتخابات از میان کاندیداهای مشهوری که در برابر خود می دیدند، بنی صدر را

خواب خرگوشی فرورفته بودند از صدای این سیلی از خواب پریدند. قطب زاده ای که مردم را تحمیق می کرد و طومارهای چند میلیونی در تأیید خود فراهم می نمود، قطب زاده ای که با بهره برداری از

نتیجه انتخابات نشان می دهد که مردم به شدت از کسانی که پس از قیام به قدرت خریدند و خون شهدای خلق را وثیقه اهداف ضد خلقی خود قرار دادند، بیزارند.

برگزیدند. به علاوه اعتراض بنی صدر به حذف مسعود رجوی کاندیدای سازمان مجاهدین خلق ایران سبب شد که بخشی از کسانی که در صورت حضور مسعود رجوی در صحنه انتخابات به او رای می دادند، رای خود را به نفع بنی صدر به صندوق ها بریزند.

نتیجه انتخابات بیش از هر چیز نشانه بیزاری و نفرت مردم از قطب زاده و چمران ها و از همه کسانی بود که در یک ساله گذشته از هر جنایتی علیه خلق های ما کوتاهی نکرده اند. مردمی که در نخستین روزهای پس از قیام دست کم قطب زاده را با بنی صدر یکی می دانستند در جریان مبارزات ضد امپریالیستی-دمکراتیک خود و در نتیجه

احساسات مذهبی مردم میهن با مردم را به تأیید خود و امی داشت در سراسر ایران حتی نتوانست ۵ هزار رای بیاورد. این نشان دهنده بی اعتمادی مردم نسبت به قطب زاده ها است. این نشانه شکست سیاست عوام فریبی و تحمیق توده ها است.

مردمی که برای نابودی سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا مبارزه می کنند مردمی که برای استقلال، کار، مسکن آزادی قیام کرده و دهها هزار شهید داده بودند، در روزهای اخیر نشان دادند که امروز دست کم چهره اغلب کسانی که در یک ساله گذشته برمسند قدرت تکیه زده و به خون شهدایان خلق ما لبخند تمسخر می زنند و دست در دست امپریالیسم آمریکا و

خود را نیازموده است، فرق گذاشتند.

نتیجه انتخابات نشان می دهد که مردم به شدت از کسانی که پس از قیام به قدرت خریدند و خون شهدای خلق را وثیقه اهداف ضد خلقی خود قرار دادند بیزارند.

نتیجه انتخابات نشان می دهد که مردم بیش از آن که به آقای بنی صدر اعتماد داشته باشند به بازگان و شرکاء، به باند چمران و روحانیونی که خود را قیم مردم می دانند بی اعتمادند مردم نه تنها به گشوش قطب زاده، مدنی، طباطبائی و مکرری سیلی زدند، بلکه به آن جناح از روحانیت که خود را قیم توده ها می پندارد و برای توده های قیام کننده میهن ما حق دخالت در سرنوشت خود قائل نیست درسی دادند به مراتب بزرگتر و عمیق تر از گذشته، درسی که هرکس از آن پند نگیرد، تاریخ دیر پا زود اوارا به سرنوشت بازگان ها و قطب زاده ها و چمران ها دچار خواهد کرد.

در اینجا لازم است یادآور شویم که افشاکری های سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و فعالیت های خستگی ناپذیر میلیون ها مردمی که این افشاکری ها را به گوش همه هم میهنان ما

نتیجه انتخابات بیش از هر چیز نشانه بیزاری و نفرت مردم از قطب زاده ها و چمران ها و از همه کسانی بود که در یک ساله گذشته از هر جنایتی علیه خلق های ما کوتاهی نکرده اند.

رسانند در معرفی دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا و نتایج در سرنوشت انتخابات تأثیری چشمگیر داشته است.

اکنون بنی صدر رئیس جمهور شده است

حالا مردمی که از سیاست های بازگان و شرکاء، از ماهیت چمران، قطب زاده، مدنی، پیزدی صباغیان و امثال او بیزارند

سرمایه داران وابسته به آن تلاش دارند ثمرات مبارزات قهرمانانه خات ماریا بر باد دهند، می شناسند.

شرکت کنندگان در انتخابات میان قطب زاده، طباطبائی و مدنی که همه تلاششان تحکیم سلطه امپریالیسم آمریکا و سرکوب مردم است با بنی صدر که تاکنون در حرف از آزادی ها دفاع کرده، به سانسور، تاخته و خود را مخالف وابستگی معرفی کرده است ولی در عمل هنوز چندان

فعالیت های نیروهای انقلابی روز به روز و بیش از پیش از سیاست های ضد دموکراتیک عوام فریبی، کینه و دشمنی مدنی ها و قطب زاده ها نسبت به نیروهای انقلابی و دوستی و سرسپردگی آنها به امپریالیسم مطلع شدند و روز به روز از او و امثال او بیزارتر شدند. مردم در انتخابات اخیر چنان سیان محکمی به گوش قطب زاده و همه مجریان شناخ شده سیاست های امپریالیسم زدند که آنهایی هم که در

مردمی که دیگر هرگز پشت سر رفسنجانی و بهشتی و امثال او سینه نخواهند زد، پس از آیت الله خمینی بنی صدر را در رأس حکومت می بینند. در جمهوری اسلامی ایران او اینک رئیس جمهور است. بنی صدر پس از اطمینان به انتخاب خود در یک مصاحبه تلویزیونی شرکت کرده و به سئوالات خبرنگاران پاسخ گفته است. از آنجا که این مصاحبه می تواند ما را در شناخت بیشتر او یاری دهد، ما برخی از قسمت های این مصاحبه را مرور می کنیم:

آقای رئیس جمهور که همیشه به اعداد و ارقام توجه دارد خیلی خوب می داند که نزدیک به ۴۰ درصد از مردم در انتخابات شرکت نکردند اما او باز هم همان افسانه مضحک ۹۹٪ را که مدت ها است اعتبار خود را از دست داده و در میان توده ها به یک شوخی بدل شده است، در تلویزیون تکرار کرد و مدعی شد که گروه های مترقی فقط ۱ درصد هستند. این ادعا همانگونه که در ماه های گذشته پدمایم ورد زبان خیلی از کسانی بوده است که خودنویس می دانستند چنین چیزی دروغ محض است.

لازم است به آقای رئیس جمهور یاد آور شویم که ایشان تنها رای بیش از ۱۰ میلیون تن یعنی رای کمتر از نصف مردم را در جیب دارند. نه رای ۹۹٪ و این رای ها نیز از آن جهت به حساب آوریده شده که کاندیداهای کمونیست ها و سایر نیروهای انقلابی در صحنه حضور نداشته اند. بنابراین اگر واقعا ایشان خواستار وحدت همه نیروهای مترقی و ضد امپریالیست هستند بهتر است از تکرار افسانه های که امروز اعتبار خود را از دست داده است، دست بردارند.

بنی صدر درباره خلقها چه گفت؟

آقای رئیس جمهور در مورد خلق ها نیز موضعی گرفت که باعث نگرانی عمیق همه دوستداران صلح عادلانه در کردستان شد. او با عنوان کردن تجزیه طلبی و غیره حرف های گزشتگان را تکرار کرد. بقیه در صفحه ۷

صلح دمکراتیک در کردستان باید به نفع زحمتکشان ایران برقرار شود

اینک مردم آگاه میهن به رغم همه تبلیغاتی که علیه خلق کرد شده است به خوبی می دانند که خلق قهرمان کرد خواستار صلح عادلانه و خودمختاری در چارچوب ایرانی مستقل، آباد و دمکراتیک است.

چه کسی خواستار تجزیه میهن ما است؟ امروز مردم خوب می دانند که دولت بازرگان و عناصری مثل امیر غیره بارها کوشیدند خواستهای حق طلبانه خلق قهرمان کرد را لوث کنند و برچسبهای ناچسب تجزیه طلبی و سوء استفاده از احساسات میهن پرستانه مردم ایران سیاست سرکوب خلقها را که سیاست امپریالیسم آمریکا است به پیش برند. این سیاست البته با مقاومت قهرمانانه جنیش مقاومت خلق کرد در هم شکسته شد. این سیاست همان سیاست زور و سرکوب بود. سیاست به کار گرفتن ارتش برای سرکوب زحمتکشان ایران بود. سیاست قتل عام اهالی روستای قارنا بود. سیاست اعسادهام فرزندان دلاور کردستان بود. این سیاست اگر پیروزی شد معنی اش پیروزی فرماندهان ارتش، پیروزی چمران و پیروزی امپریالیسم آمریکا بود و البته در صورت پیروزی این سیاست آقای بنی صدر هم امروز رئیس جمهور نبود. مردم میهن ما به یاد دارند که خلق کرد خواستار جنگ نبود. بلکه چمران ها، ظهیرزاده ها، صباغیان ها و سایر کسانی که هنوز هم هست های حساس حکومت را در اختیار دارند و هنوز هم در پی پشبرد سیاست ورشکسته سرکوب خلقها هستند با نقشه هایی دقیقاً حساب شده جنگ را بر خلق قهرمان کرد تحمیل کردند و بدیهی است که مردم آگاه و مبارز کردستان با مقاومت قهرمانانه خود سیاست سرکوب خلقها را ورشکسته ساختند و مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای میهن را اوجی تازه بخشیدند.

اگر آقای بنی صدر واقعا خواستار وحدت خلقهای میهن ما است اگر آقای رئیس جمهور همانگونه که مدعی است طرفدار سیاست زورگویی نیست، باید این ادعاها را در عمل نشان دهد، و حرفهای سابق را تکرار نکند. به اراده مردم کردن نهد و همانگونه که مردم می خواهند نه تنها چمرانها و صباغیانها بلکه

سیاستهای آنها را قاطعانه طرد کند. با هیئت نمایندگی خلق کرد که نماینده همه مردم کردستان است، صادقانه به مذاکره بنشیند و بدین سان ادعاهای خود را عملاً ثابت کند و بداند که خلق کرد واقعا خواستار صلح است. آقای بنی صدر باید بداند که نیروهای انقلابی خلق به ویژه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که مدافع طبقه کارگر و زحمتکشان ایران است قاطعانه از وحدت خلقهای ایران دفاع می کنند و استقرار صلح عادلانه کردستان و خودمختاری خلقهای ایران را در چارچوب ایران مستقل و دمکراتیک ضامن وحدت خلقهای ایران می دانند و خلاصه آقای بنی صدر باید بداند که سیاست سرکوب خلقها در هیچ شرایطی پیروز نخواهد شد.

بنی صدر

در مصاحبه خود

افسانه "دو ابر قدرت" را

پیش کشید

در مورد دشمن اصلی خلقهای ایران یعنی امپریالیسم آمریکا، آقای بنی صدر می گوید: من "دو ابر قدرت" آمریکا و روس را به یکسان دشمن ایران می دانم. آنها هر دو دشمن اصلی هستند. گویی رئیس جمهور نمی داند که معنی دشمن اصلی چیست. دشمن اصلی یعنی آن نیروی سلطه گری که هم اکنون بر میهن ما مسلط است، یعنی امپریالیسم آمریکا که به ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد به امپریالیسم غالب در میهن ما بدل شده است و سلطه اقتصادی، سیاسی، نظامی و حتی فرهنگی آن میلیونها تن از مردم مارا خانه خراب کرده، دهها هزار تن از مردم مارا به خاک و خون کشیده، ثمره کار کارگران و دهقانان ما و منابع سرشار میهن ما به ویژه نفت مارا به غارت برده و هنوز هم اقتصاد ما با هزاران رشته به آن وابسته است. و هنوز هم مپهره های سرسپرده آن در رأس ارتش و در پستهای حساس دولتی مشغول خیانت به خلقهای ایران هستند و برای نابودی همه ثمرات مبارزات مردم دندان تیز می کنند. مردم ما

نتایج انتخابات و اولین ...

امروز بیش از پیش در می یابند که جهان به دو بلوک امپریالیستی و کشورهای سوسیالیستی و کشورهای ترقیخواه که دشمن امپریالیسم هستند تقسیم می شود و هم از این رو است که مردم، درک می کنند دولت های امپریالیستی یعنی امپریالیسم آمریکا امپریالیسم ژاپن و دولت های امپریالیستی اروپای غربی و رژیم های دست نشانده این دولتها دشمنان خلق ما هستند و اما کشورهای سوسیالیست و ملل آزاد شده طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری و خلقهای کشورهای تحت سلطه همگی در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا متحد و دوست یکدیگرند.

مردم ما امروز مصمم اند سلطه امپریالیسم آمریکا را که امپریالیسم غالب در کشور ما است، نابود کنند. آنها این دشمن بزرگ خویش دست به گریبانند و به حقیقت می گویند. امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی ما است. هر کس بخواهد مدعی شود که دشمن اصلی داریم و آن هم یکی از کشورهای سوسیالیستی را بعنوان دشمن معرفی کند بدون شک کوشیده است از فشار خرد کننده مردم علیه امپریالیسم آمریکا بکاهد و دانسته یا ندانسته به امپریالیسم آمریکا خدمت کرده است.

مردم ما خواستار استقلال کامل میهن و نابودی سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند. طبقه کارگر و همه زحمتکشان و روشنفکران ترقیخواه ایران فشار همه کشورهای امپریالیستی را بردوش خود حس می کنند. زحمتکشان ما در زندگانی روز مره خود و در مبارزات خود دشمن را می بینند و آنرا می شناسند. و در این میان فشار دشمن اصلی یعنی امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته را بیش از هر چیز لمس می کنند. مردم ما در هر گام از مبارزات خود دشمن اصلی را می بینند و هم از این رو است که هر روز بهتر از پیش مفهوم دشمن اصلی را درک می کنند و بی اعتنا به اراده و تصورات شخصیتها با دشمن اصلی خود پیکار می کنند.

بقیه از صفحه

بنی صدر در مورد

کنفرانس پاکستان طفره رفت

بنی صدر از شرکت در کنفرانس پاکستان که توده های میهن ما عمیقاً آن را محکوم می کنند، حمایت کرد. او در مصاحبه تلویزیونی خود از تصمیم شورای انقلاب در مورد شرکت در کنفرانس پاکستان دفاع کرد.

رئیس جمهور در برابر این سوال که نظر شما در مورد کنفرانس پاکستان چیست، کوشید از دادن پاسخ صریح طفره رود و بجای آن که نظر خود را آشکارا بگوید، گفت وقتی شورای انقلاب این تصمیم را گرفت من غایب بودم. این طفره رفتن نشان داد که بنی صدر نمی خواهد نظر خود را آشکارا به مردم بگوید. با این همه از فحواى سخن بنی صدر معلوم شد که او با شرکت در این کنفرانس موافق است چرا که دست آخر گفت به هر حال تصمیم شورای انقلاب بایسته اجرا شود. او با این گفتار خود با همه نیروهای که شرکت در کنفرانس را محکوم کرده اند و نیز بکلی "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" مخالفت کرد.

اینک مردم آگاه ما می دانند که کنفرانس پاکستان

در حاشیه انتخابات

"حزب توده" بار دیگر

سیاست ورشکسته خود را بنمایش گذاشت

"حزب توده" در روزهای پیش از انتخابات نشان داد که تا چه حد از این کینه آیت الله خمینی گرفته است بنا ندارم کسی را تأیید کنم ناراحت است.

این "حزب" که بدون تردید برای نزدیک شدن به کسانی که در قدرت باشند و یا احتمال به قدرت رسیدنشان وجود داشته باشد، دست به هرکاری می زند، هنگامی که تشخیص کند پدای مورد نظر آیت الله خمینی را دشمن سیاسی خود را به نمایش گذارد.

"حزب توده" ملتسمانه با زبان بی زبانی از روحانیت خواست که تکلیف "حزب" به اصطلاح "طراز نوین طبقه کارگر" را روشن کند تا "حزب" ندانسته و خودسرانه از کسی طرفداری نکند.

"حزب توده" در آخرین روزهای پیش از انتخابات معمای خود را حل شده

به دستور امپریالیسم آمریکا با همدستی صهیونیستها، اسلطان قابوس، صیاء الحق، صدام حسین، ملک خالد و سایر شیوخ عرب و دیگر عناصر و محافل از تجاعی منطقه در پاکستان تشکیل شده است. هدف این کنفرانس قبل از هر چیز حفظ منافع امپریالیسم آمریکا و شرکای آن در ایران و افغانستان است.

خلق ما کنفرانس ارتجاعی پاکستان را محکوم می کند و آن را توطئه امپریالیسم آمریکا و محافل وابسته به آن علیه مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خود و سایر خلقهای خاور میانه می داند. نیروهای انقلابی میهن ما این کنفرانس را قویا محکوم می کنند و بدون تردید اگر امروز هم بخشهایی از مردم هنوز از ماهیت کنفرانس پاکستان مطلع نباشند، دیر یا زود همه مردم از ماهیت این کنفرانس و سرکوبی کنفرانسهای شبیه به آن باخبر می شوند.

نکته مثبت در سخنان بنی صدر تأکید او بر آزادی های سیاسی بود که بدون شک یکی از خواستهای مردم توده های قیام کننده میهن ما است. ما از آزادی فعالیت های سیاسی نیروهای ترقیخواه حمایت می کنیم و اعتقاد داریم که آقای رئیس جمهور باید گام های عظمی در این زمینه بردارد.

کارگران صنایع فولاد اهواز، قاطع و پولادین علیه امپریالیسم

دوشرکت امپریالیستی
پیمانکاری فاسترویلر-
تهران جنوب و عملکرد
آنان

۲۶ مهرماه ۱۳۵۴ برای
صاحب ماشین آلات و تجهیزات
مجتمع فولاد اهواز و بطور کلی
برای انجام کارهای مونتاژ
مجتمع فولاد اهواز
قراردادهائی با دوشرکت
"فاسترویلر-تهران جنوب"
بسته شد. "فاسترویلر-تهران
جنوب" در سال ۵۴ موظف
شدند که سه قسمت اصلی از
پنج قسمت طرح را پیاده کنند،
این قرارداد در ۲۶ فروردین ۵۷
برای مدت دو سال تمدید
گردید. بر طبق این قرارداد،
تنها مدیریت و سرپرستی کارها
و تأمین پرسنل و احداث انبار
و مواردی از این قبیل به عهده
این دوشرکت پیمانکار گذاشته
شده و مسئولیت های اصلی
از جمله مخارج کراف مربوط به
خدمات را مجتمع فولاد اهواز
به عهده گرفت. این قراردادها
به گونه ای تنظیم شده که
پیشرفت طرح مجتمع فولاد
اهواز در کنترل دو پیمانکار
مزبور قرار می گیرد و به اراده دو
پیمانکار مزبور بستگی دارد.
بر این اساس امپریالیست ها با
قبضه مدیریت پیمانکاران دارند
هدف های چپاولگرانه خود را
پیش برند. بر سر
قراردادهای "فاسترویلر-
تهران جنوب" نشان می دهد که
مسئولین انگلیسی شرکت و
سوپروایزرهای انگلیسی برای
تأمین منافع امپریالیسم
جهانی بسرکردگی امپریالیسم
امریکا از هرگونه آزادی عملی
برخوردارند و تنها برای
پیشبرد هدف های امپریالیسم
در مین ما به کار اشتغال
دارند.

در حالیکه حقوق و مزایای
ماهانه هر یک از سوپروایزرها
بین ۱۰/۰۰۰ تا ۳۵۰۰۰ تومان
است، شرکت ها این میزان را
کافی ندانسته و پیمانکاران در
عمل مبلغی نزدیک به ۵ برابر
این مبلغ را از مجتمع دریافت
می کند.
مدیریت انگلیسی پیمانکار
تحت عناوین مختلف ماهانه
در حدود ۳ میلیون تومان به
عنوان مخارج این قراردادها
برای شرکت های صنایع فولاد
خرج تراشی می کند. این در
حالی است که مخارج کل
مجتمع عظیم فولاد اهواز در ماه
در حدود ۱۰ میلیون تومان

در شماره های قبلی
برای نشان دادن بهره کشی و
غارتگری شرکت های
امپریالیستی از سونده های
مشخصی شاهد مثال آوردیم و
گفتیم که چگونه طبقه کارگر
میهن ما، به ویژه سرخوستان
علیه بهره کشی و غارت این

می باشد.
مدیریت کنونی شرکت ها به
عهده سه نفر انگلیسی، "قاو لو
رئیس پروژه، "میرگ" مسئول
امور رسیدگی به پیشرفت کار و
"اسکرینجر" مسئول امور مالی

مسئولین انگلیسی شرکت
سوپروایزرهای انگلیسی
برای تأمین منافع
امپریالیسم جهانی به
سرکردگی امپریالیسم
امریکا از هرگونه آزادی
عملی برخوردارند و تنها
برای پیشبرد هدف های
امپریالیسم در مین ما به
کار اشتغال دارند.

شرکت می باشد. مدیران
انگلیسی در طول بعد از انقلاب
نه تنها کاری انجام ندادند
بلکه بابت حق مدیریت خویش
طی ۳ ماه اول در حدود ۲۳
میلیون تومان دریافت داشتند.
کما این مقدار را نظر گرفتن
تغییر ارزش پول برای دو سال
قرارداد دوم به ۴ میلیون
تومان افزایش پیدا کرده است.
اگر برای این حق مدیریت
دریافت های اضافی حقوق
سوپروایزرها و غیره را نیز
اضافه کنیم و با توجه بر اینکه
پیمانکار (در واقع مدیریت
انگلیسی سه نفره) یک پنجم
حقوقی که بابت سوپروایزرها
از دولت می گیرد، بداند
می پردازد، میزان غارت
پیمانکار به مراتب بیشتر از ۴۰
میلیون تومان می شود. مثلاً اگر
فرض کنیم که پیمانکار نصف
حقوق دریافتی سوپروایزرها را
به آنها بدهد (که تمام حقوق
دریافتی اکنون ۶ میلیون
تومان می باشد) کل مبلغ
پرداختی به پیمانکار برای مدت
دو سال قرارداد دوم لااقل
۱۰ میلیون تومان خواهد بود.
با توجه به اینکه مبلغ پرداختی
به پیمانکار بابت سوپروایزرها،
۱/۵ برابر حق مدیریت است،
مدیریت ۳ نفره انگلیسی "فاستر

شرکت ها پیکرانه ساز
می کند. از جمله سازات
کارگران و کارکنان انقلابی
شرکت های ریمینکو، حفاری
و استارلاین را که خواهان
صادره سرمایه این شرکت ها و
ملی کردن آنها بودند،
برتمدیم.

ویلر" در دو سال مبلغی حدود
۸ میلیون تومان دریافت
می کند.

سیاست شرکت ها، سیاست
امپریالیسم جهانی
به سرکردگی امپریالیسم
امریکا است.

ببینیم شرکت های یاد شده
با چه سیاستی به بهره کشی از
طبقه کارگر ایران و تصاحب
دسترسی آنان می پردازد.
آقای اکبر طالقانی قائم مقام
فعلی پروژه "فاسترویلر-
تهران جنوب" در سندی که
تحت عنوان "گزارش توجیهی
در مورد کار شرکت های فاستر
ویلر-تهران جنوب" نوشته و
برای دکتر احمد زارعی

صنایع و معادن جمهوری
اسلامی فرستاده است، تا
حدودی پرده از ماهیت
امپریالیستی قراردادها

در اینجا می خواهیم از نحوه
عمل دوشرکت پیمانکاری
فاسترویلر-تهران جنوب و
مبارزه کارگران علیه بهره کشی
و چپاول این شرکت ها که با
سرمایه امپریالیستی
مدیریت آنان اداره می شود،
صحبت کنیم.

بر می دارد. جالب این است که
اکبر طالقانی به جای انتشار
گزارش خود، در صفحه ۲ این
سند، اصرار دارد که این گزارش
کاملاً محرمانه بماند تا کارگران
از آن آگاهی نیابند چه از رشد
آگاهی توده های وسیع کارگران
هراس دارد. او اصرار دارد که
سند فقط در دو نسخه تهیه
شده و بخوبی محافظت شود.
مأمین مطلب را از صفحه
۲ سند برای آگاهی کارگران
انقلابی "فاسترویلر-تهران
جنوب" و دیگر کارگران
میهنمان در اینجا می آوریم.

بر طبق اعترافات موجود
در صفحه ۳ سند در حالیکه
راندها کار پیمانکار در مرداد
۱۳۵۷ حدود ۴٪ بوده، ولی در
۶ ماه بعد از قیام حتی از ۱٪ نیز
تجاوز نکرد است. به این
ترتیب تمام ۴۰٪ کارهای
باقیمانده در طرح بیش از ۳ ماه
دیگر طول می کشد.

بنابراین در این سند هیچ مدرک
کمی و کیفی نشان نمی دهد
که کارگران در این قراردادها
تغییر ارزش پول برای دو سال
قرارداد دوم به ۴ میلیون
تومان افزایش پیدا کرده است.
اگر برای این حق مدیریت
دریافت های اضافی حقوق
سوپروایزرها و غیره را نیز
اضافه کنیم و با توجه بر اینکه
پیمانکار (در واقع مدیریت
انگلیسی سه نفره) یک پنجم
حقوقی که بابت سوپروایزرها
از دولت می گیرد، بداند
می پردازد، میزان غارت
پیمانکار به مراتب بیشتر از ۴۰
میلیون تومان می شود. مثلاً اگر
فرض کنیم که پیمانکار نصف
حقوق دریافتی سوپروایزرها را
به آنها بدهد (که تمام حقوق
دریافتی اکنون ۶ میلیون
تومان می باشد) کل مبلغ
پرداختی به پیمانکار برای مدت
دو سال قرارداد دوم لااقل
۱۰ میلیون تومان خواهد بود.
با توجه به اینکه مبلغ پرداختی
به پیمانکار بابت سوپروایزرها،
۱/۵ برابر حق مدیریت است،
مدیریت ۳ نفره انگلیسی "فاستر

در شرایط موجود با محدود کردن
کارهای بخش فسترویلر-تهران جنوب
در مرداد ۱۳۵۷ و از آنجا که
شرکت ها در این قراردادها
تغییر ارزش پول برای دو سال
قرارداد دوم به ۴ میلیون
تومان افزایش پیدا کرده است.
اگر برای این حق مدیریت
دریافت های اضافی حقوق
سوپروایزرها و غیره را نیز
اضافه کنیم و با توجه بر اینکه
پیمانکار (در واقع مدیریت
انگلیسی سه نفره) یک پنجم
حقوقی که بابت سوپروایزرها
از دولت می گیرد، بداند
می پردازد، میزان غارت
پیمانکار به مراتب بیشتر از ۴۰
میلیون تومان می شود. مثلاً اگر
فرض کنیم که پیمانکار نصف
حقوق دریافتی سوپروایزرها را
به آنها بدهد (که تمام حقوق
دریافتی اکنون ۶ میلیون
تومان می باشد) کل مبلغ
پرداختی به پیمانکار برای مدت
دو سال قرارداد دوم لااقل
۱۰ میلیون تومان خواهد بود.
با توجه به اینکه مبلغ پرداختی
به پیمانکار بابت سوپروایزرها،
۱/۵ برابر حق مدیریت است،
مدیریت ۳ نفره انگلیسی "فاستر

در صفحه ۵ سند، دلیل اینکه
چرا مدیران این شرکت ها
هیچگونه اقدام مفیدی انجام
نمی دهند و عملاً خواهان
متوقف کردن جریان تولید
می باشند، "تذریک شدن به
بایان قرارداد و منافع
پیمانکاری دامنه آن" ذکر
شده است. در این صفحه ذکر
می شود که "مخصوصاً شرکت
فاسترویلر هیچگونه مسئولیتی
در جهت این افزایش (منظور
افزایش راند مان است) به عمل
نیآورده و مطابق پیشنهادات
ارائه شده خود می خواهد حتی
از فعالیت فعلی هم تا حد امکان
جلوگیری به عمل آورد" یعنی
فاسترویلر حتی حاضر نیست
همان ۱٪ را نیز انجام دهد!!
گزارش آقای طالقانی کاملاً
روشن می کند که چه کسانی
خواهان متوقف ساختن جریان
تولید فولاد هستند و از آن سود
می برند. مابعد منظور آگاهی
کارگران از هدف های که
امپریالیست ها دنبال می کنند،
این قسمت از گزارش را عیناً
چاپ می کنیم.

اصل صفحه ۵ سند در صفحه ۹

در سند وضعیت پیمانکار
تهران جنوب نیز مشابه فاستر
ویلر ترسیم شده است.
سیاستی که مسئولین
دولتی در این شرکت ها
دنبال می کنند.

حال ببینیم در مقابل این
حقوق مسئولین امر چگونه
بر خورد می کنند.
در راه حل عملی که توسط اکبر
طالقانی پیشنهاد می شود، از
یک طرف بدرستی پیشنهاد
می کند که این قراردادها بطور
کامل لغو گردد و از طرف دیگر
از آنجا که خواهان حفظ
سرمایه داری است،
در پیشنهادات خود نشان
می دهد که چگونه برای ادامه
بهره کشی از طبقه کارگر تلاش
می کند. او در این زمینه نشان
می دهد که تاجه میزان از شکل
و آگاهی کارگران هراس دارد و
به این دلیل نیز از پیشرفت
مبارزه ضد امپریالیستی نگران
و در هراس است.

از جمله او ملوژات پیکیب
و قاطع کارگران علیه
امپریالیسم و منافع آن
"زیاده خواهی" توصیه می کند
و کارگران را به "تسری پرووری"
متهم می کند، طالقانی در
بقیه در صفحه ۹

پر توان با دجش طبقه کارگر، پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی-دموکراتیک خلقهای ایران

کارگران صنایع فولاد اهواز، قاطع و پولادین ... بقیه از صفحه ۸

کارگران راه آهن:

عناصر سرسپرده و مزدور باید تصفیه شوند

سرپرست راه آهن که از خشم کارگران به وحشت افتاده بود پایه فرار گذاشت ...

- ۱- پرداخت پاداش شش ماه اول سال.
- ۲- پرداخت تفاوت مزایای شغلی از خدمات به فنی.
- ۳- تامین بهداشت محیط کار.
- ۴- تامین و پرداخت وام مسکن.
- ۵- تشبیه ۴ ساعت کار در هفته و تعطیل پنجشنبه ها.
- ۶- نوسازی و مدرنیزه کردن راه آهن.
- ۷- پاکسازی و تصفیه انقلابی عناصر سرسپرده و مزدور سرمایه داران.

پس از قرائت خواست‌های کارگران، "موحد" سرپرست راه آهن با سخنرانی خویش کوشید کارگران را فریب داده و قضیه را ماستالنی کند. "موحد" در سخنانی که ایراد کرد، نشان داد که تا چه اندازه مسئولین امور نسبت به خواست‌های کارگران بی‌اعتنا هستند.

کارگران که از بی‌اعتنائی "موحد" نسبت به مشکلات و مسائل خود به خشم آمده بودند، در محل اداره کار گزینی اجتماع کردند. سرپرست راه آهن که از خشم کارگران به وحشت افتاده بود، تنها چاره کار را فرار دید و پا به گریز نهاد.

کارگران راه آهن با دادن شعار از شورا پشتیبانی کرده و مصرأ خواستار برکناری "موحد" سرپرست راه آهن شدند.

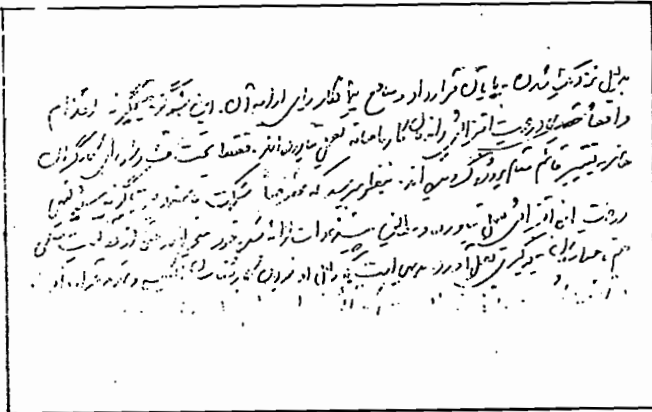
بهره‌کشی و عارت سرمایه داران بیگانه و سرمایه داران نیسرال شریک آنان، تمامی دوستان و حامیان امپریالیسم امریکا هستند و آقای اکبر طالقانی در حقیقت با چنین خواستی به

*** اکبر طالقانی می‌خواهد خودش و شرکایش با لغو قراردادها بجای مدیران انگلیسی بنشینند، اما کارگران خواهان نابودی سرمایه‌داری وابسته به بساط بهره‌کشی هستند.**

مقابله برمی‌خیزد. برای روشن شدن بیشتر مسئله و اثبات حقانیت مبارزه کارگران مبارز و انقلابی، ما صفحه ۸ سند را عیناً چاپ می‌کنیم.

اعترافات اکبر طالقانی
نفاوت مبارزه صدامیریالیستی طبقه کارگر ایران را ساکروهائی دیگر روشن می‌سازد. اکبر طالقانی می‌خواهد که خود و شرکایش جای مدیران انگلیسی و سوپروایزرهایش بنشینند، درحالیکه کارگران در مبارزه با امپریالیسم خواهان نابودی سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم و بزچیده شدن بساط بهره‌کشی سرمایه داران بطور کلی هستند. کارگران نهنه‌ها خواهان "لغو کامل قراردادها" امپریالیستی "و اخراج مدیران انگلیسی، بلکه خواهان مصادره سرمایه‌داری، ملی‌کردن آنان و سپردن امور کارخانه به دست شوراهای واقعی کارگری می‌باشند تا بتوانند بر جاسل دسترنج خود نظارت و کنترل داشته باشند.

کارگران خواهان پیشبرد مبارزه‌های پیگیر و بی‌امان علیه



آگاهی خود و متشکل ساختن طبقه کارگر ایران که شرط ضروری پیروزی برای امپریالیسم امریکا و دوستان و جاسوسان آن است، "خرابکاری" و "حرکات ضد انقلابی" می‌نامد، گویا فراموش که در چند سطر بالاتر مدییریت و سوپروایزرهای انگلیسی را عامل متوقف ساختن تولید

صفحه ۵ سند می‌نویسد: "نبودن سوپروایزرها سبب شده که کارگر به تن‌پرووری عادت کرده و عدم خواست کار از طرف مدیریت پیمانکار باعث زیاده‌خواهی آنها و احتمالاً تحریک‌پذیری ایشان گردیده است." طالقانی در این سطور به

*** اکبر طالقانی، مدیرعامل کنونی پروژه‌های یکطرف بد رستی پیشنهاد می‌کند که این قراردادها بطور کامل لغو گردد و از طرف دیگر از آنجا که خواهان حفظ سرمایه‌داری است، در پیشنهادات خود نشان می‌دهد که چگونه برای ادامه بهره‌کشی از طبقه کارگر تلاش می‌کند.**

روشنی این تمایل خود را که خواهان حفظ روابط سرمایه‌داری و بهره‌کشی از طبقه کارگر است، بیان می‌دارد. چه به زعم ایشان مسئولین و مدیران ایرانی باید همچون گذشته و همانند سوپروایزرها و مدیران انگلیسی آنچنان شرایط را به وجود آورند که کارگران اجازه نیابند به اصطلاح "تن‌پرور شوند و زیاده‌خواهی کنند!" او کارگران را متهم می‌کند که "به علت نداشتن اطلاعات فنی"، "توقع بیش از حد" دارند و "با تحریک‌پذیری از حد پرسنل توسط تعاسهای شبانه و پخش اعلامیه‌های مختلف علیه دولت، مسئولین امر، و حتی نمایندگان مجلس خبرگان"، در کار تولید اخلال می‌کنند. او آشکارا حقایق را تحریف می‌کند و مبارزات ضد امپریالیستی کارگران را که همان مبارزه علیه سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم است، اخلال‌گری نام می‌نهد. اکبر طالقانی کوشش کارگران مبارز را برای بالا بردن

ذکر کرده است. آقای طالقانی که از مبارزه با امپریالیسم هم صحبت می‌کند، از وزیر صنایع و معادن جمهوری اسلامی می‌خواهد که شرکت‌ها را تعطیل کند و کارگران مبارز و انقلابی را اخراج نماید. برای قائم مقام پروژه اخراج کارگران مبارز و تصفیه انقلابیون بیش از هر چیز اهمیت دارد، زیرا بقول خودش "تنباهضرائین اقدام تظاهرات و اغتشاش افراد اخراج شده است" و برای جبران آن نیز "می‌توان برنامه‌های مختلفی مانند کار در جهات سازندگی و غیره را مورد نظر و بررسی قرارداد." اکبر طالقانی همچنین می‌خواهد که آئین‌نامه انضباطی برای قانونی جلوه دادن سرکوب کارگران تهیه و تنظیم شود. به این ترتیب کاملاً آشکار می‌گردد که برای اکبر طالقانی تنها چیزی که مطرح نیست زندگی و منافع کارگران و مبارزات آنان علیه امپریالیسم است.

این سند مربوط به قرارداد منعقد شده در اهواز است. در این قرارداد، مدیرعامل پروژه (اکبر طالقانی) پیشنهاد کرده است که این قراردادها بطور کامل لغو گردد و از طرف دیگر از آنجا که خواهان حفظ سرمایه‌داری است، در پیشنهادات خود نشان می‌دهد که چگونه برای ادامه بهره‌کشی از طبقه کارگر تلاش می‌کند.

این سند در تاریخ ۱۰ بهمن ۱۳۵۸ در اهواز تهیه شده است. در این سند، مدیرعامل پروژه (اکبر طالقانی) پیشنهاد کرده است که این قراردادها بطور کامل لغو گردد و از طرف دیگر از آنجا که خواهان حفظ سرمایه‌داری است، در پیشنهادات خود نشان می‌دهد که چگونه برای ادامه بهره‌کشی از طبقه کارگر تلاش می‌کند.

این سند در تاریخ ۱۰ بهمن ۱۳۵۸ در اهواز تهیه شده است. در این سند، مدیرعامل پروژه (اکبر طالقانی) پیشنهاد کرده است که این قراردادها بطور کامل لغو گردد و از طرف دیگر از آنجا که خواهان حفظ سرمایه‌داری است، در پیشنهادات خود نشان می‌دهد که چگونه برای ادامه بهره‌کشی از طبقه کارگر تلاش می‌کند.

حقایق بالا نشان می‌دهد که چرا آقای اکبر طالقانی اصرار دارد که نامه ایشان به وزیر صنایع و معادن محرمانه باقی بماند و کارگران از آن اطلاع حاصل نکنند، اما کارگران فاسترویلر-تهران جنوب به شیوه خویش علیه امپریالیسم و عوامل آن مبارزه می‌کنند و ما در شماره آینده از آن سخن خواهیم گفت.

۴۸ ساعت کار طاقت فرسا در کارخانه‌ها باید به ۴ ساعت تقلیل یابد

گزارشی از شوراهای اتحادیه‌های دهقانان روستاهای اطراف قم

*** دهقانان و زحمتکشان روستا برای پیشبرد مبارزات خود درک کرده‌اند که احتیاج به سازمان و تشکل دارند. آنها بر اساس تجاربی که از قیام تا کنون کسب کرده‌اند، در این زمینه نیز گام‌های استواری به پیش برمی‌دارند.**

داده، دریافت مواد غذایی از تعاونی‌های روستایی و توزیع عادلانه آن بین دهقانان، دریافت کود به قیمت ارزان و توزیع و تحویل آن به کشاورزان و کشت زمین‌های مصادره‌شده از زمین‌داران و مالکان بزرگ بوده است.

اتحادیه دهقانی لنگرود در جاده کاشان واقع شده است. این اتحادیه متشکل از شوراهای دهقانی چند روستا می‌باشد. یکی از اهدافی که تا کنون این اتحادیه با آن روبروست، مصادره باغات پسته و مزرعه مکانیزه یکی از زمین‌داران بزرگ (امیرناصر دیبا، از وابستگان فرح) میباشد لازم به تذکر است که امیرناصر دیبا یکبار دستگیر می‌شود ولی با قید ضمانت از طرف کمیته آزاد می‌گردد.

اتحادیه کبک (نوفل‌لوشاتو) نیز از جمله اتحادیه‌های دیگر این منطقه است که بازم با راهنمایی‌ها و فعالیت‌های پیگیر عناصر آگاه و مترقی و با باری دهقانان زحمتکش ایجاد شده است. از جمله اقداماتی که این اتحادیه موفق به انجام آن گردیده است، مصادره یک معدن سرب و یک معدن کوچک سنگا است که اجازه استخراج آن نیز دریافت شده و با توافق اعضای اتحادیه که نمایندگان روستائیان زحمتکش می‌باشند، قرارداد که درآمد آن بیشتر صرف عمران و آبادی کبک و روستاهای اطراف آن گردد.

مناسی بر خوردار نبوده و به علت عدم رسیدگی به حداقل نیازهای بهداشتی روستائیان، بسیاری از فرزندان آنها، مبتلا به آبله مرغان بوده و صورت‌هایشان غالباً پوشیده از زخم‌های ناشی از این بیماری است. پرواضح است که چنین شرایطی شامل حال زمین‌داران بزرگ و مالکان بانفوذ نمی‌شود و آنان مطابق معمول از امتیازات و امکانات رفاهی و بهداشتی برخوردارند. اگرچه پس از قیام، زحمتکشان این روستاها نیز با اقدامات انقلابی خود به مصادره زمین‌های مالکین و زمین‌داران بزرگ پرداخته اما زمین‌داران و مالکین با حمایت همه جانبه برخی روحانیون با نفوذ و دست‌اندرکاران مملکتی در پاره‌ای مناطق دست به سرکوب زحمتکشان روستا و دهقانان فقیر زدند. در جریان این مبارزه بود که زحمتکشان روستاهای قم با کمک افراد آگاه و انقلابی به ضرورت تشکل از طریق شوراهای اتحادیه‌ها واقف شدند، که ما در اینجا به ذکر نمونه‌هایی از آنها می‌پردازیم.

اتحادیه قم‌رود از شوراهای دهقانی چهار روستا، از جمله ملک قلعه، کوه سفید، سلطان باجی و قم‌رود تشکیل شده است. از فعالیت‌های بارزی که این اتحادیه تاکنون انجام

زندگی خود نمی‌باشند. به این دلیل بسیاری از روستائیان مجبورند در کنار کار برای زمین‌داران و مالکین بزرگ، بعنوان کارگر ساختمانی راه آهن و معدن نیز به تاسمین ابتدائی‌ترین نیازهای زندگیشان بپردازند.

خرده مالکان که نسبت به گروه اول از وضع بهتری برخوردارند، در برخی روستاها علاوه بر زمین کشاورزی که غالباً به کشت گندم اختصاص می‌یابد، صاحب باغ‌های میوه هستند که از این طریق نیز می‌توانند مخارج زندگیشان را تأمین کنند.

عده‌ای دیگر که زمین‌های کمتری برای کشت دارند و با زمینشان به دلایل مختلف مثل کمبود آب و غیره قابل کشت نیست، به دامپروری روی آورده‌اند.

در بسیاری از روستاهای قم مطلقاً از برق، حمام، مدرسه، و... خبری نیست و در روستاهایی هم که مدرسه موجود است، کودکان مجبورند همراه درس کار هم بکنند.

تأمین آب آشامیدنی نیز یکی از مسائل بسیار حاد روستائیان این منطقه است. گاهی اهالی کودال‌هایی به عمق ۳ متر می‌کنند که شهادت آن آب جمع شده و روزها خود و احشامشان همراه با سگ‌های گله از آن آب استفاده می‌کنند بهداشت نیز از وضعیت

قابل تأکید است.

هدف از تشکیل این شورا در روستاهای اطراف قم، تأمین وحدت و یکپارچگی هر چه بیشتر دهقانان زحمتکش است. اتحادیه‌های دهقانی در این ناحیه با تشکل نمایندگان چند شورای روستایی نزدیکه یکدیگر به وجود می‌آید تا از این طریق با قدرت بیشتری به مقابله با زمین‌داران بزرگ و بقایای فئودال‌ها بپردازند.

ترکیب شوراهای این منطقه غالباً اشکال سنتی داشته و ریش سفیدان در آن حضور دارند که تدریجاً افراد آگاه‌تر و دهقانان زحمتکش جای آنان را خواهند گرفت. گویا این قبیل جابجایی به مذاق برخی خرده مالکان مرفه خوش نمی‌آید و حتی گاهی مزاحمت‌هایی رانیز ایجاد می‌کنند، اما تاکنون این قبیل محدودیت‌ها، مانعی جدی در راه عناصر آگاه و دهقانان زحمتکش به وجود نیاورده است.

ما، در این گزارش مختصراً به چگونگی زندگی دهقانان برخی از روستاهای قم و مسائل و مشکلاتی که با آن دست به‌گریبانند، می‌پردازیم اکثر ساکنین روستاهای این منطقه را خوش‌نشینان و خرده مالکان تشکیل می‌دهند که اغلب یابی زمین‌اند و با قطع زمینی بسیار کوچک هم حتی قادر به تأمین مخارج

مبارزات زحمتکشان روستا برای برآورده شدن شعار "زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند" هر روز دامنه بیشتری پیدا می‌کند. دهقانان برای پس گرفتن زمین‌ها از زمین‌داران بزرگ، مبارزات خود را گسترش می‌دهند. مبارزه برای لغو بدهی و حذف کلیه بازپرداخت‌ها، مبارزه برای دریافت وام بدون بهره، مبارزه برای تأمین بهداشت، آموزش و راه و مدرسه. این مبارزات هر روز دهقانان بیشتری را به میدان مبارزه می‌کشاند.

دهقانان و زحمتکشان روستا برای پیشبرد این مبارزات درک کرده‌اند که احتیاج به سازمان و تشکل دارند، آنها بر اساس تجاربی که از قیام تا کنون کسب کرده‌اند، در این زمینه نیز گام‌های استواری به پیش برمی‌دارند. امروز در بسیاری از روستاهای میهن ما، شوراهای اتحادیه‌های دهقانان به وجود آمده است. تکامل یافته‌ترین شوراهای اتحادیه‌های دهقانان ترکمن صحرا است.

شوراهای اتحادیه‌های دهقانان قم، بر پایه اشکال سنتی تشکل دهقانان به وجود آمده و از این نظر قابل بررسی است. سنت‌ها و آئین‌های مذهبی در شکل سازمان دهی شوراهای اتحادیه‌های دهقانان قم مستقیماً دخالت داشته و به آن ویژگی خاصی بخشیده است. این مسئله بخصوص در شکل‌گیری شوراهای دهقانی

دهقانان زحمتکش!

زمینی که شماروی آن کار میکنید و زحمت میکشید باید از آن شما باشد.

زمینهای سرمایه داران و فئودالها و زمین داران بزرگ را در اختیار خود بگیرید و باکشت و اداره جمعی زمینها بدست خود نگذارید که بش گذشته حاصل کار و زحمت تان را سرمایه داران و اربابان و فئودالها به غارت ببرند.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند!

کلیه قروض و بدهی‌ها به بانک‌ها و مؤسسات دولتی و خصوصی باید لغو گردد!

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه آذربایجان
۵۴/۲۸

راه پیمائی دهقانان سلدوز علیه فئودالهای منطقه

روز ۱۸ دی ماه ۵۸ دهقانان چند روستا از جمله یادگارلو، گوران آباد، چپانه و... برای اعتراض به مسلح کردن فئودالها و عمالشان علیه دهقانان بی زمین و پشتیبانی از عمل انقلابی دهقانان یادگارلو و خنثی ساختن توطئه اربابان پس از تجمع در مسجد صاحب‌الزمان و سخنرانی چند نفر از جمله روستائیان علیه توطئه‌های اربابان و جنایت‌های چندین ساله آنها، شروع به راهپیمائی کردند. راهپیمایان ضمن عبور از خیابان‌های شهر نرده اعمال ننگین فئودال‌ها را محکوم کردند. راهپیمائی از ساعت ۱۲ ظهر شروع شد و بعد از طی مسافتی در می‌سدان آزادی جمع شده و بعد از سخنرانی یک نفر که در آن از لزوم اتحاد دهقانان و اینکه چرا دهقانان دیگر، ساکت نشسته‌اند. سخنران و ضمن آن یادآور شد که فئودال‌ها توسط بعضی از سران مزدور ارتش حمایت و مسلح می‌شوند و اینکه یک عده از دهقانان دانسته یا ندانسته به خدمت اربابان خائن درآمده و علیه دهقانان به کار گرفته می‌شوند. سخنران گفت که دیگر دوران زور و قلدری اربابان سپری شده است و باید دهقانان بهپا خاسته و متحد شوند و زمینها را بین خود تقسیم کنند. دهقانانی که در راهپیمائی شرکت داشتند، حدود ۱۰۰ نفر بودند. بعضی از شعارها و

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

مبارزه کارمندان اداره شماره گذاری برای تأمین خواستهایشان همچنان ادامه دارد

* قاتلین علی اکبر رضائی کارمندان اداره که توسط افراد کمیته به ضرب گلوله به شهادت رسید، آزادانه زندگی می کنند.

۳۰ نفر از نمایندگان کارمندان اداره راهنمایی و رانندگی تهران در بخش شماره گذاری به منظور اعتراض به آزادی سرهنگ ایروانی قاتل علی اکبر رضائی، کارمند آن اداره و دستگیری دونفر از نمایندگان خود، روز ۲۲ دی ماه ۵۸ در دفتر شهرداری تهران متحصن شده و با اعتصاب غذا دست زدند.

کارکنان اداره شماره گذاری راهنمایی و رانندگی از حدود ۶ ماه پیش خواستار رسیدگی به خواستهای خود بودند که مهم ترین آنها عبارت بود از:

- ۱- افشاکری پیرامون سوء استفاده‌هایی که در این اداره شده است.
- ۲- تعویض رئیس اداره شماره گذاری.
- ۳- تشکیل شورا.

در طول این مدت نه تنها به خواستهای آنها رسیدگی نشد، بلکه تصمیم گرفته شد که ۳۷۰ نفر از کارمندان اداره شهرداری را اخراج کرده و به جای آنان مامورین شهرستانی را

بگذارند. کارمندان پس از اطلاع از این موضوع تصمیم می گیرند که مسئله را با یکی از مسئولین مطرح کنند. به همین منظور روز چهارشنبه ۲۱ آذر ۵۸ جلوی درب اداره که به روی آنها بسته شده بود، به عنوان اعتراض اجتماع می کنند. در این هنگام مامورین کمیته به اجتماع کنندگان حمله می کنند و در گیر و دار این روز در روشی مامورین کمیته با مردم، یکی از کارمندان به نام علی اکبر رضائی به شهادت می رسد.

به دنبال این واقعه کارمندان به مبارزات خود با شدت بیشتری ادامه دادند و طی قطعنامه‌ای اعلام کردند:

"۱- ما، شهرداری تهران و سرهنگ ثانی رئیس اداره راهنمایی و رانندگی را که برای جلوگیری از افشاکری و پاکسازی عناصر وابسته، درب اداره شماره گذاری را به روی کارمندان بستند، مسئول قتل بردار شهیدمان علی اکبر رضائی که بدست فرستادگان آنها انجام گرفت، می دانیم

۲- قاتل که شناخته و دستگیر شده و در کمیته مرکزی می باشد، و عاملان شهادت علی اکبر رضائی باید در دادگاه عدل اسلامی به محاکمه کشیده شده، به مجازات عمل خود برسند.

۳- تمام حقوق و مزایای بردار شهیدمان بصورت کارمندی به بازماندگانش داده شود و نیز مسکن برای خانواده شهید مهیا گردد.

اکنون کارمندان که پس از گذشت یکماه، شاهد عدم رسیدگی به پرونده قاتلین علی اکبر رضائی و آزادی آنها هستند، در تحصن و اعتصاب غذا به سر می برند.

"شورای کارمندان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه" و "شورای اسلامی کارمندان شهرداری و راهنمایی و رانندگی" از جمله شوراها هستند که از مبارزات کارمندان اداره راهنمایی و رانندگی پشتیبانی کردند.

گزارشی از مبارزات هنرجویان در خرم آباد

سرانجام هنرجویان هنرستان شیمی خرم آباد موفق شدند رئیس خود را از کار برکنار کنند.

عبدالرضا قیاسیان رئیس هنرستان شیمی خرم آباد که گفته می شود از مبلغان حزب جمهوری اسلامی است، نقش فعالی در بهم ریختن گردنهائی ها، توسط افراد اوباش و مهاجم داشته و مانع فعالیت های آزاد سیاسی هنرجویان در هنرستان بوده است و حتی چند هنرجو را به جرم "ضد انقلابی" و "توطئه گر" از هنرستان اخراج کرده بود.

هنرجویان که از اقدام های قیاسیان به ستوه آمده بودند، روز ۲۴ دی ماه ۵۸ تصمیم گرفتند که او را از کار برکنار کنند. هنرجویان به دنبال تصمیم خود، در محوطه اداره آموزش و پرورش متحصن شده و خواسته های خود را که اخراج قیاسیان از هنرستان، بازگشت هنرجویان اخراجی و به رسمیت شناختن شوراها و علمین و محصلین و اداره امور هنرستان به دست شوراها، بود، مطرح کردند و سرانجام موفق شدند قیاسیان را برکنار کنند.

حمله به راهپیمائی

دیپلمه های بیکار

● مهاجمان با چوب و چماق به راهپیمائی دیپلمه های بیکار یورش بردند و تعدادی از آنان را زخمی کردند.

روز یکشنبه ۲۲ دی ماه ۵۸ گروهی از دیپلمه های بیکار بروجرد که در میان آنها عده ای عیالوار نیز بوده، با اعلام قبلی دست به یک راهپیمائی زدند. دیپلمه های بیکار در طول راهپیمائی شعار می دادند.

"کار، کار حق مسلم ماست" اما این راهپیمائی با حمله افرادی که از قبل توسط فرماندار و رئیس شهرستانی و عده ای سرمایه دار بروجردی اجیر شده بودند، مواجه شد که بر اثر آن چند تن از راهپیمایان به سختی آسیب دیدند و روانه بیمارستان شدند.

اشغال دفتر انجمن دانشجویان مسلمان کرمانشاه توسط گروهی از پاسداران مسلح

گروهی از پاسداران مسلح به دفتر انجمن دانشجویان مسلمان کرمانشاه حمله کرده و ستاد فعالیت گروه های فعال سیاسی را اشغال کردند. به دنبال اعلام انصراف مسعود رجوی، کاندیدای مجاهدین خلق از انتخابات ریاست جمهوری، گروهی متشکل از پاسداران مسلح، صبح روز ۳۰ دی ماه ۵۸ دفتر انجمن دانشجویان مسلمان کرمانشاه هجوم برده و تمامی وسایل موجود در ستاد را خرد و متلاشی کردند. متعاقب این عمل، مدارس به عنوان اعتراض تعطیل شده و انبوه جمعیت در برابر ستاد اشغال شده گرد آمدند و شعار می دادند "مرگ بر پاسدار از تجاعی" و ...

اجتماع کنندگان به تظاهرات خود ادامه دادند تا اینکه پاسداران داخل ستاد به ظاهر توافق کردند که محل ستاد را تخلیه کنند، لکن چندی نگذشت که گروهی از پاسداران به کمک رسیدند و با پرتاب گاز اشک آور و شلیک هوائی، جمعیت را پراکنده کردند.

ذری اقدام پاسداران، از سوی گروه های سیاسی اعلام راهپیمائی شد.

معلمان مبارز استهبان فارس را اخراج کرده اند

معلمان مبارز استهبان فارس ضمن ارسال نامه ای به نشریه "کار" نوشتند:

"ما معلمین دبیرستان های استهبان فارس را به اتهام مبارز بودن از کار اخراج کرده اند و شغلی را که به خاطر خدمت به مردم بدان دل بستیم، از ما گرفته اند و این در حالی است که کارکنان سرسپردهای راکه تا دیروز گزارش اقدامات ما را به ساواک می دادند، به جای ما به کار گمارده اند."

(معلمان اخراجی استهبان، فارس)

تحصن خانواده های زندانیان سیاسی کوهدشت

خانواده های سه تن زندانی که در زندان کوهدشت به سر می برند، به منظور اعتراض به محکومیت فرزندانشان، در دادگاه این شهرستان متحصن شدند. از این سه تن زندانی، یکی به اتهام ارتباط با جریان های پاره به سه سال زندان محکوم شده و دو تن دیگر که یکی معلم و دیگری کارگری روستائی است، در جریان حمله پاسداران به دیپلمه های بیکار در خرم آباد، دستگیر و زندانی شده اند.

ذری تحصن خانواده های سه تن زندانی کوهدشت،

نقدی پیرامون مقاله

"اکنون میسیم و آنارشیسم در حرف دشمن یکدیگرند و در عمل دست یکدیگر را می فشارند"

ما در جنبش کمونیستی ایران برعهده داریم، ما وظیفه خود دانستیم مقاله را مجدداً مورد ارزیابی قرار دهیم و اینک ضمن پوزش از تاخیری که در این مورد روی داد، حاصل بررسی های خود را با شما در میان می گذاریم.

بر اساس تمایلات و نقطه نظرهای خاص خود این مقاله را مورد ارزیابی و نقد و بررسی قرار داد و بنا به مصالحی که دنبال می کرد، چشم اندازهایی در آن جستجو نمود. بازتاب وسیع این مقاله و تاکیدها و انتقادهایی که بر آن شد موید نقش و مسئولیت بزرگی است که سازمان

انتشار مقاله "اکنون میسیم و آنارشیسم در حرف دشمن یکدیگرند و در عمل دست یکدیگر را می فشارند" عکس العمل های متفاوتی را برانگیخت. نقدهای متعددی بر آن نوشتند و انتقادهایی نیز به دست ما رسید. هر دسته و گروهی

خرده بورژوازی در آید و رسالت خود را بر این قرار دهد که طبقه کارگر ایران را به مسلخ بورژوازی هدایت کند.

یا کسانی وجود داشته باشند که صرف نظر از مواضع نظری گوناگون، با نام مارکسیسم عملاً در کنار لیبرال ها قرار گیرند و اتحاد با آنان را تبلیغ و ترویج کنند.

تعبیر آور نخواهد بود اگر به همین سیاق کسانی که چیزی جز کابوس فاشیست به خواب نمی بینند و از این توهم که آسمان ایران جولانگاه شبح وحشتناک ولایت فقیه گشته است به درهم اندیشی دچار شده اند هرگونه حمایت از خرده بورژوازی را در کردار تقبیح کنند و به دشمنی و ستیز با آن برخیزند. و در عمل در کنار سرمایه داران، لیبرال یعنی مهمترین پایگاه کنونی امپریالیسم در میهن ما قرار گیرند.

این جریانات که فاقد پایه توده های هستند و ریشه ای استوار در قشر روشنفکران خرده بورژوا دارند فارغ از مبارزه طبقاتی سهمگین، کنونی اسیر بافته های ذهنی خویشند.

آنها قادر نیستند مضمون طبقاتی سیاست های خرده بورژوازی را درک کنند. آنها گرایش ارتجاعی و غیردمکراتیک خرده بورژوازی و برخورد آن را با جنبش کارگری همان مبارزه بورژوازی با نیروهای ترقی خواه و طبقه کارگر می دانند. و به این ترتیب گرایش های ارتجاعی خرده بورژوازی را با ارتجاع بورژوازی یکسان می پندارند. و مرز دوستان و دشمنان انقلاب را مخدوش می کنند.

چه آنهایی که از هراس خیالی فاشیست چشم خود را بروی امپریالیسم بسته و در

"حرب توده" مرحله انقلاب ایران را دمکراتیک - ملی می شناسد، گروه ها و سازمان های گوناگون با برداشتهای مختلف از انقلاب دمکراتیک توده ای سخن می رانند و سرانجام طیفهایی وجود دارند که به انقلاب سوسیالیستی معتقدند.

*** استقلال سیاست های پرولتری نه با نوشتن کلمه "مستقل" در جای خود مشخص می شود و نه با بردن اسم جمهوری، سیاست های پرولتری صرفاً با تعیین دقیق راهی حقیقتاً مستقل مشخص می گردد و این چیزی است که منشویسم اراائسه نمی دهد.**

"لنین"

به این ترتیب طبیعی است که هرکدام از این دیدگاهها، به ناگزیر در مورد متحدین طبقه کارگر برداشت و تلقی متفاوت و حتی متضادی داشته باشند. فی المثل زمانیکه "حزب توده" برای خرده بورژوازی رسالت تاریخی رهائی جامعه از سلطه امپریالیسم را امکان پذیر می داند و اعتقاد دارد که خرده بورژوازی می تواند "قلب اجتماعی و مغز اجتماعی" باشد، هیچ چیز تعجب آور و غریبی نخواهد بود اگر چنین حزبی، کاسه داغ تر از آش باشد و با تمام توان خود در خدمت تحکیم سیاست های

بیکار و تشریح عمق درد تفکر اکنون میسیمی و آنارشیستی "و با تاکید بر جنبه های منفی در کنار جنبه های مثبت" و انتقاد از "تحصن بی موقع و طولانی مدت" در حرکت مزبور پرولتاریا و روشنفکران انقلابی طرفدار آن را به حمایت از خرده بورژوازی در گیر در مبارزه ضد امپریالیستی و ضد لیبرالی دعوت می کند. بدون این که به روشنی توضیح دهد که این حمایت از چه محتوای و مضمونی باید برخوردار باشد. در نتیجه راه برای برداشتهای متفاوت باز گذاشته می شود و خط سر اغتشاش فکری و در هم اندیشی را در پی دارد.

ببینیم مارکسیست - لنینیست ها در زمینه حمایت پرولتاریا از متحدین خود چگونه فکر می کنند؟ ببینیم برداشت جریانات سیاسی رنگارنگ اپورتونیستی با این مسئله چگونه است.

البته قصد ما این نیست که بطور کلی از مسئله سخن گوئیم. چه، در این زمینه کتاب های متعددی انتشار یافته است و ما خوانندگان خود را به این کتاب ها مراجعه می دهیم. * در این مقاله کوشش می کنیم که موضع خود و جریانات انحرافی موجود را ارزیابی کنیم.

تشخیص و شناسایی دوستان و دشمنان انقلاب در هر مرحله از تحول جنبش انقلابی خلق در ردیف مسائل کلیدی جنبش کمونیستی است این که تشخیص دهیم چه کسانی در شرایط کنونی متحدین طبقه کارگرند، برمی گردد به این که تشخیص دهیم جامعه ما در چه مرحله ای از تحول تاریخی - اجتماعی خود قرار دارد. امروز طیف وسیعی از نظریات در این زمینه وجود دارد.

عملی واحدی منجر گردند. در عرصه مبارزه طبقاتی، هر دو این انحراف، به جنبش طبقه کارگر، به شکل طبقه کارگر، شکل گیری سیاست مستقل طبقه کارگر و رشد آگاهی های سوسیالیستی آن زبان های جدی می رساند. هر دو این انحراف در خدمت منافع آبی و آبی بورژوازی و خرده بورژوازی قرار دارد و به تحکیم موقعیت آنان می انجامد.

*** حمایت مشروط یعنی وقتی خرده بورژوازی علیه دشمن مشترک مبارزه می کند، مورد حمایت پرولتاریا قرار می گیرد، ولی هنگامی که خرده بورژوازی با دشمن مشترک به موازات می نشیند و یا علیه پرولتاریا وارد عمل می شود، با مخالفت پرولتاریا روبرو می شود.**

مقاله "اکنون میسیم و آنارشیسم..." می کوشد که پیوند و تبدیل و نتیجه عملی یکسان این گرایش را در مورد مشخص (تحصن کارگران بیکار در وزارت کار در روز ۲۱ آبان) نشان داده و به کارگران پیشرو بیکار یاری رساند که با آگاهی به این گرایش در حرکت مزبور آگاهی سیاسی و ایدئولوژیک خود را ارتقاء داده و انحرافات خرده بورژوازی را از مبارزات خود بزدایند.

مقاله با وجود این که در دستیابی به این هدف موفق است و در نتیجه ای که در پایان مقاله می گیرد (کار ۳۷ صفحه ۳ ستون ۵) بدلیل روشن نکردن چگونگی و کیفیت حمایت پرولتاریا از مبارزه ضد امپریالیستی خرده بورژوازی و نمایندگان سیاسی آن، راه را برای برداشتهای اپورتونیستی، چه چپ و چه راست، باز می گذارد. امری که بدان انتقاد جدی وارد است.

مقاله پس از برشمردن خصوصیات و وضعیت کارگران

اکنون میسیم و آنارشیسم حضور و نفوذ تمایلات و ایدئولوژی غیر پرولتری در جنبش کمونیستی است. ترکیب جوان و منشا خرده بورژوازی بهش وسیعی از کارگران، عدم آگاهی طبقاتی توده های عظیم کارگران ایران، وضعیت جنبش کمونیستی چه به لحاظ تاریخی و چه به لحاظ مشخص آن و موقعیتی که در شرایط کنونی خرده بورژوازی سنتی در میهن ما از آن

برخوردار است، زمینه عینی و ذهنی مناسبی برای نفوذ ایدئولوژی غیر پرولتری در جنبش کارگری کمونیستی ایران فراهم می کند.

روشنفکران انقلابی هوادار طبقه کارگر که عمدتاً از لایه های بالاتر خرده بورژوازی هستند به نوبه خود حاملین چنین گرایشی می باشند. آنها از هر لحاظ مستعد هستند که از روند قانونمند مبارزه طبقاتی روی گردان شوند. از جمله مستعد آنند که در برابر حرکات خودانگیخته طبقه کارگر و نیز حرکات خودانگیخته ولجام گسیخته روشنفکران سرتسلیم فرود آورند. تمکین به حرکات خودانگیخته یاد شده و جبهه سائی در مقابل آن که از تمایلات و ریشه طبقاتی واحد منشأ می گیرد اکنون میسیم و آنارشیسم را شکل می دهد و به اعتبار همسانی و پیوند درونی که بین عوامل شکل دهنده این انحرافات وجود دارد، اکنون میسیم و آنارشیسم قابلیت تبدیل به یکدیگر را دارند. می توانست به نتیجه

میریم میهن ما ناقص کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد.

بقیماز صفحه ۱۶

گرامی باد یاد . . .

را سارمان می داد .
رفیق فدائی محمد کاسه چی
در سال ۵۲ برای ادامسه
فعالیت های انقلابی زندگی
مخفی را برگزید و بطور
حرفه ای به مبارزه پرداخت .
رفیق فدائی خلق
محمد کاسه چی در درگیری های
سال ۵۵ به شهادت رسید و در
مکانی نامعلوم برای همیشه
خون خفت .
آرامگاه رفیق محمد کاسه چی
چون مزار صدها فدائی در
گلزارهای سرخ ایران آزاد
و دمکراتیک فردا است .
جاودان باد یاد راه
شهادت یخون خفته خلق
فدائی شهید

رفیق فدائی جعفر پشامی در
سال ۱۳۲۹ در یکی از مناطق
فقیرنشین قزوین و در خانه ای
که بیش از پنج خانوار در
آن زندگی می کردند ، به دنیا
آمد و از کودکی با فقر آشنا بود
رفیق جعفر پشامی ، هنوز
دوران دبیرستان را به پایان
نیاموده بود که راهی تهران شد
و با "جوراب فروشی" مخارج
زندگی خود را تامین می کرد .
زندگی او از همان آغاز با
زندگی زحمتکش شهر پیوند
داشت .

رفیق پشامی با رفیق
محمد کاسه چی از همان آغاز
به فعالیت های مشترک سیاسی
دست زدند . شرکت فعال او در
افشاکاری های سرمایه داران
اسرائیل دشت قزوین و نقش
فعال و سازماندهی که در
اعتصاب شرکت واحد داشت
از جمله فعالیت های مشترک او
با رفیق کاسه چی است .
او در تظاهرات سالهای
۴۸ - ۴۶ ، در جریان تظاهرات
برای گرامی بلیط اتوبوس
توسط گاردهای مزدور شاه به
سختی مجروح شد و چندین
روز در خانه بستری گردید .
رفیق فدائی پشامی ، همراه
رفیق محمد کاسه چی به سازمان
پیوست و در درگیری های سال
۵۵ به شهادت رسید .
درک زنده و ملموس رفیق
جعفر پشامی از توده ها و پیوند
عمیق او با زحمتکشان ،
خصوصیات انقلابی و درخشانی
او در وی موجب شده بود . که
لهم بخش رفقای او بوده
ست . خصوصیات برجسته
اخلاقی رفیق آنچنان بارز بود
که او را به سرمشق افتخار
آفرینی برای رفقا و سازمان
تبدیل کرده بود .
یادش گرامی باد

خیابان فرح آباد سابق ،
فدائی خلق رفیق زحمتکش
پناهیان مورد شناسایی قرار
گرفت و توسط مردوران ساواک
محاصره شد .
او شجاعانه کوشید حلقه
محاصره را بشکند و علیرغم
اینکه دوتن از مزدوران
ساواک را از پای در آورده بود
در نبردی نابرابر به شهادت
رسید .

یادش گرامی باد

فدائی شهید رفیق اصغر پشامی

فدائی خلق رفیق
محمد کاسه چی در سال ۱۳۲۹
در قزوین به دنیا آمد . او از
دوران دبیرستان در کارگاه
تعمیرات ماشین کاری کرد و با
محیط کارگری آشنائی داشت .
رفیق محمد کاسه چی
فعالیت های انقلابی خود را با
اشاعه ادبیات انقلابی در
سالهای دبیرستان آغاز کرد .
او در شرایط خفقان پلی کیبی ها
و کتابهای انقلابی را مخفیانه ،
دست به دست در سطح نسبتا
وسیع توزیع می کرد و در جهت
ارتقاء آگاهی سیاسی -
ایدئولوژیک رفقا و دوستان
خود نقش موثری داشت .

در سال ۴۷ - ۴۶
او فعالیت های افشاکرانسه
وسعی را علیه سرمایه داران
اسرائیلی که در قزوین زیر
عنوان "اصلاحات و عمران
روستائی دشت قزوین" فعالیت
داشتند ، شروع کرد . او
نقشه های صهیونیسم و
امپریالیسم را در بروجوه
جنگ های مصر و اسرائیل افشا
و با امکانات محدود آن زمان
انتشار می داد .

رفیق محمد کاسه چی در سال
۴۸ وارد دانشکده مدیریت و
علوم اداری دانشگاه تهران شد
و به زودی به عنوان سازمانده
فعالیت های سیاسی و صنفی
دانشگاه موقعیتی ممتاز کسب
نمود . او در سازماندهی
اعتصابات و تظاهرات
دانشجویی علیه ورژد نیکسون
و شرکت اتوبوسرانی واحد
نقش فعالی داشت و به مدت
کوناهی در همین رابطه در
بازداشت ساواک بسر برد .
در این دوره ، رفیق فدایی
محمد کاسه چی برای گسترش
فعالیت های انقلابی خود بطور
مجانی در مدارس جنوب
تدریس می کرد . رفیق بمنظور
آشنائی با زندگی توده های
مردم نقاط مختلف ،
مسافرت های تحقیقاتی گروهی

آبارتمانهای سرمایه داران باید ضبط و به زحمتکشان واگذار شود

بقیماز صفحه ۱۶

خانه بدو شها خواستار فعالیت . . .

کار حجت الاسلام حسن
کروبی هستند و به خوبی از
کم و کیف ماجرا با اطلاع
هستند .
مهدوی کئی ، شهردار تهران
و سایر محافظ مدافع
سرمایه داری اعلام داشته اند
که مردم از دست حجت الاسلام
کروبی احساس عدم امنیت
می کنند . ولی زحمتکشان
به ویژه آنهایی که از نزدیک
با فعالیت های حجت الاسلام
حسن کروبی آشنایی دارند ،
معنی سخنان شهردار تهران
و مهدوی کئی و امثال آنها را
خیلی خوب درک می کنند .
زاغه نشینان خیلی خوب
می دانند که مقصود مهدوی
کئی از مردم همگان
سرمایه داران و صاحبان
آپارتمانها هستند ، چرا که
مردم زحمتکش ما از مصادره
هتلها ، شهرکها و
آپارتمانهای سرمایه داران
حمایت می کنند . برای مردم
ما بسیار آموزنده است که
می بینند ، کمیته مرکزی
شهردار تهران و محافظان
سرمایه داری و روزنامه های
طرفدار آنها چگونه به این
روحانی مبارز تاختند و
ایشان را "صدانقلابی"
معرفی کردند . اما امروز
بیش از هر زمان دیگر
زحمتکش میهن ما
دریافته اند که صدانقلابی
کیست .

را حفظ کنند .
یکی از نمونه های مبارز
مبارزه زحمتکشان -
سرمایه داران بر سرزمینها ،
ساختمانها و هتلها ،
مبارزه ای است که میان کمیته
حجت الاسلام حسن کروبی با
کمیته مرکزی در گرفته است .
حجت الاسلام کروبی در
مدتی که در جریان مصادره
شهرکها و آپارتمان های
سرمایه داران با زحمتکشان
همگام بوده مورد حمایت
مردم به ویژه کسانی قرار
گرفته است که از فعالیت های
ایشان با اطلاع هستند .
کمیته مرکزی و محافظان
مدافع سرمایه داران بارها
اعمال ایشان را "صدانقلابی"
اعلام کرده و روحانی مبارز
حجت الاسلام کروبی را عنصر
ماجرای "صدانقلابی"
خوانده اند و از او خواسته اند
دست از اعمال خود بردارد
اما از آنجا که ایشان در
مبارزه علیه سرمایه داران
وابسته و مصادره ساختمانها
و هتلهای آنها سرسختی
نشان داده است ، سرانجام
کمیته مرکزی کوشیده است با
حمله مسلحانه به کمیته
حجت الاسلام حسن کروبی
از ادامه کار ایشان جلوگیری
کرده و با آنها تماس
ناجوانمردانه ای که امروز دیگر
برای مردم تازگی ندارد ،
حجت الاسلام کروبی و همکاران
او را از میدان بدر کنند ، اما
مردم قاطعانه خواستار ادامه

بازرگان و شرکاء مثل همه
موارد دیگر به شدت با این
امر که مبارزه توده را عمیق
می بخشد به مخالفت
برخواستند و هر جا که
زحمتکش خود به تصرف
ساختمانها و شهرکهای
سرمایه داران دست زدند ،
بازرگان و امثال او با
بی شرمی مردم انقلابی ما را
"دزد و قلدرو ضدانقلاب"
خواندند و تلاش کردند ،
ساختمانها و آپارتمانها را
برای سرمایه داری حفظ
کنند .
اما زحمتکش میهن ما
بر این خواسته خود مثل
همه موارد دیگر ، سرسختانه
پیکار کردند و سرانجام
با اوج گیری مجدد مبارزات
صدامپریالیستی خلق ما در
ماه های گذشته بسیاری از
آپارتمانها ، هتلها و
ساختمانهای سرمایه داران به
چنگ سازندگان و صاحبان
واقعی آنها یعنی زحمتکشان
و زاغه نشینان افتاد .
لیکن سرمایه داران وابسته
و محافظ و عناصر مدافع آنها
این بار نیز به تلاش
افتادند تا به هر قیمتی شده
ساختمانها و آپارتمانها
و هتلهایی را که در جریان
سالها استثمار خلق ما به
غارت برده اند ، برای خود
محفوظ نگاهدارند . آنها به
هر جنابیتی دست می زنند
و هر توده بی شرمانه ای
را جعل می کنند تا منافع خود

قانون کار باید با شرکت خود کارگران و توسط نمایندگان آگاه آنها تدوین شود .

حق کار برای همه و همه بیکار . برای تمام بیکاران

۸ ساعت کار در هفته برای تمام کارگران

بیمه عمر و حوادث و سوانح برای تمام کارگران

حقوق مساوی برای کارساز و برای زن و مرد

حق اعتصاب کارگران

و

باید در قانون کار تصریح شود .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

حقوق دموکراتیک مردم باید تضمین شود

نکاتی پیرامون

برنامه و سیاست مجاهدین خلق

بقیه از صفحه ۱

آنچنانکه در شماره ۱۰، قبل تر گفتیم ارائه یک برنامه مترقی و جامع نمی توانست به تنهایی ملاک تأیید نیروهای مترقی از کاندیدای معینی واقع شود و باید حتما سوابق و خط مشی کلی وی نیز دقیقاً ارزیابی شود. در عین حال این بدان معنا نیست که از یک برنامه مبهم، ناقص و بی عقب مانده هم می توان به هوای سوابق درخشان مبارزاتی دفاع کرد و آن را مبنای وحدت نیروهای مترقی و ضد امپریالیست قرارداد. "حزب توده" برنامه را ملاک همه چیز می گیرد و ما می گوئیم "برنامه درست و اصولی" تنها یک وجه مسأله است. در عرصه مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک گرچه خلاصه کردن شرایط وحدت در توافق روی برنامه مشترک یک "ایده بورژوازی" است، ولی رد لزوم توافق روی برنامه مشترک به عنوان چارچوب هر حرکت سیاسی مشترک حرفی بی معنا و بوج است.

زمین چمن دانشگاه کاملاً محرز شد که برنامه و سیاست جاری سازمان مجاهدین خلق ایران و موضع آنان در برابر نیروهای سیاسی مختلف (حاکم و غیر حاکم) دارای نقایصی است که وحدت عمل نیروهای مترقی را عملاً دچار مشکل و حتی بن بست

برنامه مجاهدین خلق از صراحت و روشنی کافی برخوردار نیست و می تواند توسط نیروهای سیاسی مختلف مورد تفسیرهای گوناگون قرار گیرد و نیروهای را جلب کند که عملاً در یک صف قرار ندارند و بنا به ماهیت طبقاتی خود

اگر چنین باشد توده های ستمکش خلق آن را نخواهند پذیرفت. ما معتقدیم این سرمایه ها که همه از طریق چپاول و غارت مردم زحمتکش میهن ما به دست آمده است، همه این سرمایه ها که حاصل بهره کشی طبقه کارگر است، باید بدون پرداخت هرگونه

هستند در حالیکه تنها تصمیم آزادی احزاب و کلیه سازمان های سیاسی و صنفی و ملی و مترقی به سود مردم است و احزاب سیاسی وابسته به سرمایه داری و امپریالیسم و شبکه های جاسوسی باید در کمال قاطعیت برچیده و سرکوب شوند.

وقتی مجاهدین خلق در برنامه خود ضرورت سرکوب و برچیدن احزاب وابسته به طبقه سرمایه دار را ذکر نمی کنند عملاً و بطور آشکار به جای دفاع از یک دمکراسی مردمی، به دفاع از لیبرالیسم که خواهان آزادی همه احزاب است تن داده اند.

۳- برنامه مجاهدین دو نوع ارتش را توصیه می کند یکی "ارتش مردمی برای دفاع از مرزها و مقابله با تجاوز خارجی" و دیگری ارتش ۲۰ میلیونی خلق برای مقابله با حملات و تهدیدات امپریالیستی. در حالی که مصالح مردم ایران ایجاب می کند که تنها یک ارتش داشته باشیم با هویت و ماهیت توده ای که وظیفه آن فقط دفاع از حاکمیت توده ها، استقلال ملی و تمامیت ارضی در مقابل توطئه های دشمنان داخلی و خارجی حاکمیت توده ها است. این دشمنان عبارتند از امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا. طبقه سرمایه دار که تماماً وابسته به آن است. تشکیل یک ارتش دائمی که وظیفه آن فقط دفاع از مرزها باشد، در حقیقت تشکیل یک ارتش ضد خلقی است.

سرمایه داران به بهانه دفاع از مرزها و در حقیقت برای دفاع از منافع خود ارتش دائمی را سازمان می دهند که در مقابل مردم قرار دارد. انقلابیون واقعی برای دفاع از مردم و فقط برای دفاع از حاکمیت مردم به دفاع از مرزهای میهن دمکراتیک خود برخوانند خاست.

وجود این موارد در برنامه مسعود رجوی بیانگر آن است که سازمان مجاهدین خلق ایران با این برنامه پیشروترین نیرو در مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک نیست، به همین دلیل این برنامه قادر نیست سرمایه داری وابسته را بطور کامل نابود سازد.

ب. سیاست ما وجود نقاط ضعف بقیه در صفحه ۱۵

*** در برنامه مجاهدین خلق از "ملی کردن" تمام سرمایه های وابسته صحبت می شود و نه از مصادره انقلابی آنها.**

*** مجاهدین خواهان "تضمین آزادی احزاب و کلیه سازمان های سیاسی و صنفی با هر عقیده و مرام" هستند، در حالیکه تضمین آزادی احزاب و محافل وابسته به طبقه سرمایه دار هرگز به سود مردم ما نیست. تنها تضمین آزادی احزاب و کلیه سازمان های سیاسی و صنفی و ملی و مترقی، به سود مردم است.**

*** برنامه مجاهدین دو نوع ارتش را توصیه می کند، یکی "ارتش مردمی برای دفاع از مرزها و مقابله با تجاوز خارجی" و دیگری ارتش ۲۰ میلیونی خلق برای مقابله با حملات و تهدیدات امپریالیستی.**

نمی توانند قرارداد داشته باشند. علاوه بر این ابهام در برنامه رجوی به گونه ای است که نشان نمی دهد در ایران چگونه جامعه ای می خواهد بر پا دارد. آیا نمونه الجزایر در نظر است یا به لبیبی نظر دارد. یامی خواهد ایران را به راه مصر یا سوریه بکشاند؟

گرامتی، به نفع خلق های قهرمان ایران فوراً مصادره شود. تنها با پیش گرفتن یک سیاست قاطع ضد سرمایه داری، با سمت گیری سوسیالیستی است که می توان از زیر سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا رها نشی یافت. در این راه خلق های

می سازد. ما در سطور زیر "برنامه" و "سیاست" جاری سازمان مجاهدین را بررسی خواهیم کرد.

الف: برنامه با یک مقایسه سریع و سطحی هم می توان به وجوه تمایز برنامه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با برنامه

*** مجاهدین امروز جهت عمده مبارزه خود را مبارزه با ارتجاع "می دانند و می گویند در کنار این مبارزه باید بالیبرال ها هم مبارزه کرد و این از نظر ما خوشترین خط مشی به مزاج لیبرالهاست.**

هر چند به نمونه ویتنام نیز اظهار علاقه می کند. برنامه مجاهدین خلق چنان خلاصه است که گاهی ایهامات ناشی از اختصار است ولی با کنار گذاشتن این ایهامات در سه مورد مشخص برنامه ارائه شده نقاط ضعفی دارد که رفع آنها مبنای مناسبی را برای وحدت صف نیروهای ضد امپریالیست به وجود خواهد آورد. این نکات عبارتند از:

۱- در برنامه مجاهدین خلق از ملی کردن تمام سرمایه های وابسته صحبت می شود و نه از مصادره انقلابی آنها. آیا منظور سازمان مجاهدین پرداخت غرامت است

مجاهدین خلق پی برد. این تمایز در اساس ناشی از مواضعی است که هر کدام در عمل نسبت به طبقات اجتماعی معین داریم. لیکن این مانع از آن نیست که بعضی از وجوه تمایز را محصول "برخی ملاحظات سیاسی" قلمداد کنیم که برنامه را تا حد زیادی از نفس انداخته است. بگونه ای که به جرات می توان گفت چنانچه این نقاط ضعف برطرف نشود، مجاهدین خلق و هر نیروی دیگری که به پشتیبانی از آن برنامه برخیزد، قادر نخواهد بود ایرانی آزاد و دمکراتیک را برای توده های میهن ما تدارک بیند.

سازمان ما بر اساس شناختی که از سازمان مجاهدین خلق ایران طی سالها مبارزه به دست آورده است، و همچنین بر اساس نکات مثبتی که در برنامه سازمان مجاهدین خلق ایران وجود داشت به منظور تقویت صف نیروهای مترقی و ضد امپریالیست، و با هدف منفرد کردن سرمایه داران لیبرال حمایت خود را از کاندیداتوری مسعود رجوی در جریان انتخابات اعلام کرد. ما در اعلامیه مورخ ۲۵ بهمن ۱۳۵۸ درباره حمایت از مسعود رجوی در انتخابات روی "مشروط" بودن حمایت خود تأکید کرده بودیم و همچنین کلمه مشروط در ذهن مردم ایران این تلقی را به نادرست پدید آورده بود که گویا نظر سازمان آن است که در صورتی که برخی از نقطه نظرهای سازمان به کار بسته نشود، سازمان هم حمایت خود را ملغی خواهد کرد. اما در واقع نظر این نبود که ما رای دادن به مسعود رجوی را مشروط به شروطی کرده باشیم. مسأله این بود که پس از انتشار برنامه سازمان مجاهدین خلق ایران و به ویژه پس از سخنرانی مسعود پنجمین ۲۰ دی اودر

رفاه زحمتکشان باید تأمین شود

تصحیح اشتباه و پوزش از خوانندگان

کارکنان ارشد، انگشتر و خودکار طلا می دادند. اعمال این شیوه باعث شده بود که اگر کارگری نقص عضو پیدا می کرد و حین کار صدمه می دید، صدایش را در نمی آورد. حتی بسیاری از کارگران از این بابت که این واقعه ممکن است "جایزه ها" را به عقب بیندازد، ناراحت می شدند.

در مقاله "نفتگران مبارز حفاری و مبارزات پیگیر آنان علیه شرکت های امپریالیستی در جنوب" - قسمت دوم - "کار" شماره ۴۰، صفحه ۶، نوشتیم: "کارچاق کن های امپریالیسم در این شرکت ها برای استثمار هرچه بیشتر کارگران از شیوه های گوناگون سرکوب و تفرقه افکنی استفاده می کردند. بعنوان مثال هرگاه کارگری سه ماهه را بدون تصادف یا بیماری کار می کرد، به او کفش و لباس کار داده می شد و در صورت هرگونه حادثه یا بیماری از این "جوایز" محروم می گردید. ولی دیگر کارگران آن را دریافت می کردند."

کمک های مالی دریافت شده

Table with 4 columns: Name, Amount, Date, and other details. Lists various donors and their contributions.

نکاتی پیرامون برنامه و سیاست مجاهدین ...

روابط مدنی با بختیار و خوانین بختیاری رو می شود، تماس های پنهانی او با عوامل "سیا" فاش می شود اما باز هم کاندید ریاست جمهوری باقی می ماند. ما باید به توده ها نشان دهیم که چرا فتوای آقای آذری قمی که تا مغز استخوان از منافع سرمایه داران دفاع می کند، بیش از ۳ نشریه و روزنامه را تعطیل می کند اما افشاکاری "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" در باره روزنامه با ممداد بدون پاسخ می ماند و طوری وانمود می شود که اصلاً مسئله ای رخ نداده است. ما به توده ها خواهیم گفت چرا

ارتجاع "است. همان تفسیری است که جنبه دمکراتیک ملی پرچمدار آن است. جالب است که همه احزاب لیبرال هم مدعی اند که پیکار آزادی با ارتجاع، همان پیکار خلق با امپریالیسم است. در حالی که از نظر ما مبارزه با امپریالیسم یعنی مبارزه با سرمایه داری وابسته یعنی مبارزه با تمام کسانی که خواهان اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ... سرمایه داری وابسته هستند. سیاست فعلی سازمان مجاهدین خلق ایران، به ویژه درجائی که علیه جریان های لیبرالی موضع گیری

برنامه مجاهدین خلق را عمدتاً ناشی از سیاست و موضع آنان در برابر صف آرائی کنونی نیروهای دانیم. سیاستهایی که عمدتاً ناشی از اشتباهاتی است که در تشخیص اوضاع و احوال جاری و سیاست و سیاست هر یک از جریان های سیاسی دارند. مجاهدین امروز جهت عمده مبارزه خود را مبارزه با "ارتجاع" می دانند و می گویند در کنار این مبارزه باید با لیبرال ها هم مبارزه کرد و این از نظر ما خوشتر است. خط مشی به مزاج لیبرال ها است. لیبرال ها به مجریان چنین سیاستی می گویند پسایر عالی است فعلاً "ارتجاع" را بگویم و افشاء کنیم بعد به حساب همدیگر برسیم. این سیاست در عمل با لیبرال ها اتحاد می کند تا دشمن مشترک را که از جانب آنان "ارتجاع" نامیده می شود از پای در آورد. مجاهدین تاکنون دقیقاً توضیح نداده اند منظورشان از "ارتجاع" چیست؟ و کدام جناح از حاکمیت را "ارتجاع" می نامند؟ اما مبارزه آنان با "ارتجاع" مشخصاً از همان زاویه های است که لیبرال ها مطرح می کنند. و اما ما ... اولاً ما مبارزه با سیاست های سرمایه داری وابسته و امپریالیسم را که اکنون عموماً در لباس لیبرالی مطرح می شوند از همه مهمتر می دانیم زیرا خطر اساسی از جانب آنهاست. ثانیاً معتقدیم روحانیت و احزاب و محافظان وابسته به آن از قیام تا امروز سیاست هایی را پیش برده اند که در اغلب موارد به سود سرمایه داران لیبرال که از بعد از قیام پایگاه عمده امپریالیسم به حساب می آیند تمام شده است. از جمله آن سیاست انتخاب بازرگان به نخست وزیری است. ترکیب فعلی شورای انقلاب که همان کابینه بازرگان است و فقط نامش عوض شده که در حقیقت چیزی جز سیاست ابقای کابینه بازرگان نیست و اخیراً حذف مسعود رجوی و ابقای دیگر کاندیداها به ویژه سید احمد مدنی قابل تأکید است.

سیاستی که وانمود می کند امروز عرصه پیکار اصلی عرصه پیکار "آزادی با ارتجاع" است، همان تفسیری است که جنبه دمکراتیک ملی پرچمدار آن است.

قالبی با ف و کارگزار حمتکش را در تبریز به جرم همکاری با حزب خلق مسلمان اعدام می کنند ولی سران اصلی حزب و مهرهای شناخته شده آن که میلیون ها تومان خرج خرید اسلحه برای مزدوران حزب کرده اند آزادانه برای خود می گردند. و قابل توجه است که در سیاست جاری سازمان مجاهدین خلق از این مطالب کمتر چیزی به چشم می خورد علاوه بر این ما می بینیم گرایش های غیر دمکراتیک و ضد دمکراتیک روحانیت قشری و احزاب دست راستی مذهبی هم مبارزه خواهیم کرد. باید با اعلامیه پاره کردن ها، با میتینگ به هم زدن ها، با حمله به کتابفروشی ها و از این قبیل هم مقابله کرد تنها لیبرال ها یعنی مشروطه خواهان هستند که شعار عوام فریبانه آزادی خواهی را وسیله اصلی خود برای دست یافتن به اهداف ضد خلقی شان قرار داده اند. سخنرانی مسعود رجوی در دانشگاه تهران با مضمون "فلسفه آزادی" چنان مضمون و رنگ و بوی لیبرالی داشت که بی شک بیش از آنچه به فکر توده های باشد که یک عمر از لجام گسیختگی سرمایه داران رنج برده اند، به مزاج های خوشی آمد که قیام بهمن ماه کاسه کوزه هایشان را در هم ریخته است. سیاستی که وانمود می کند امروز عرصه پیکار اصلی عرصه پیکار "آزادی با

قلم به عمل نمی آورد و در عین حال بیشترین توجه را به "ارتجاع" جلب می کنند، از سیاست فعلی سازمان ما که یک سیاست داری لیبرال را تعقیب می کند فاصله می گیرد و به سیاست نیروهای از قبیل "جنبه دمکراتیک ملی" نزدیک می شود. اما سازمان ما معتقد است که با توجه به شناختی که از سازمان مجاهدین خلق ایران در دست است، با توجه به تجربه ای که از این سازمان در جریان سال ها مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک کسب کرده است، درست به همانگونه که سازمان ما با تصحیح دائمی خط مشی ها و سیاست های جاری می کوشد هرچه بیشتر حرکت خود را با جنبش سرکوب امپریالیستی - دمکراتیک خلق منطبق سازد، سازمان مجاهدین خلق در چارچوبی متفاوت از آن چیزی که در مورد ما صادق است، در پروسه رشد و تکامل خود عناصر و جوجه ناهمگون را از خود دور خواهد ساخت و پیوند محکم تری بین خود و بخش وسیعی از نیروهای خلقی به وجود خواهد آورد. وهم گام های موثرتری در جهت ایجاد جنبه واقعی ضد امپریالیستی خلق به پیش بر خواهد داشت. ما تحقق هرچه سریعتر جنبش آینده ای را برای همه نیروهای ترقیخواه آرزو

گرامی باد یادرفقای شهید ★★

خانه بدو شها خواستار فعالیت
کمیته حجت الاسلام کروی

هستند • آپارتمانهای سرمایه داران باید
ضبط و به زحمتکشان واگذار شود

مبارزه‌ای که از نخستین روزهای پس از قیام تاکنون بر سر زمین‌ها و ساختمان‌های زحمتکشان و زاغه نشینان میهن ما از یک طرف و طبقه سرمایه دار ایران از سوی دیگر در جریان بوده و هست گوشه‌ای از پیکار طبقاتی خلق ما علیه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به آن است. بلافاصله پس از قیام سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران اعلام داشت که آپارتمان‌ها، ساختمان‌ها و شهرک‌های سرمایه داران باید بی‌درنگ در اختیار زحمتکشان قرار گیرد. اما بقیه در صفحه ۱۳

حملات عناصر مرتجع و مزدور را علیه
سازمان مجاهدین خلق محکوم می‌کنیم



مجاهد شهید
عباس عمانی

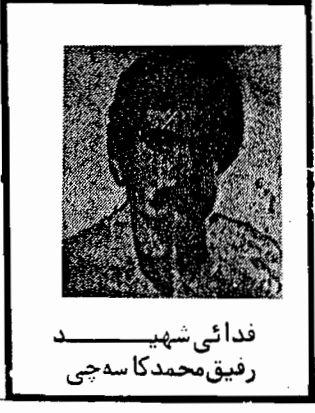
در روزهای گذشته حملات عناصر مرتجع و مزدور به دفاتر و به اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران شدت یافته است. شهادت مجاهد عباس عمانی و حمله به کمیته امداد پزشکی سازمان مجاهدین خلق خود نمونه‌های جدیدی از وحشیگری‌های سازمان یافته‌ای است که بدون تردید عوامل امپریالیسم رهبری آن را برعهده دارند. سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران این اعمال را ضد خلقی را محکوم می‌کند. بدون تردید این اعمال خود بهترین نشانه زبونی و ورشکستگی عوامل ارنجاع است.

همه با هم دشمنان خلق را افشا کنیم
همه با هم در بزرگداشت
قیام شکوهمند بهمن بکوشیم
مردم مبارز و آگاه ایران!

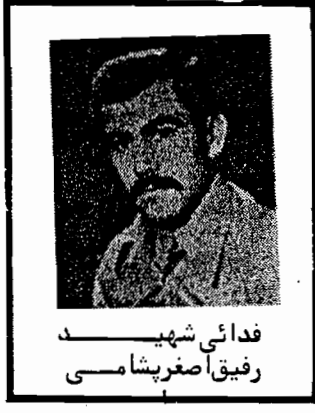
۱- سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران در امر مهم افشای و معرفی دشمنان خلق به یاری بی‌دریغ شما متکی است. لذا در این مورفیت که افشا و معرفی دشمنان خلق برای پیشبرد مبارزه از اهمیتی عظیم برخوردار است، از شما می‌خواهیم که هرگونه سند و مدرکی پیرامون خیانت سرمایه داران وابسته و دوسان و خاسوسان امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در دست دارید، در اسرع وقت برای ما بفرستید.

۲- از آنجاکه بزرگداشت قیام شکوهمند خلقهای قهرمان میهن ما در رشد و اعتلای آگاهی طبقه کارگر و زحمتکشان از اهمیت فراوانی برخوردار است، و از آنجاکه بزرگداشت و پاسداری از سنت‌های انقلابی مردم میهن ما، وظیفه‌ای است انقلابی که همه ما باید آنرا بدرستی به انجام رسانیم. از شما می‌خواهیم که هر مطلب، سند، عکس، جمع بندی تجارت و خاطراتی که در شناخت این واقعه تاریخی و بزرگداشت شکوهمند آن به ما یاری رساند در اختیار سازمان قرار دهید.

ما با جاب حرف اول نام و کد انتخاب شده توسط شما، از طریق نشریه "کار"، شمار را از رسیدن سند فرستاده شده مطلع می‌سازیم



فدائی شهید
رفیق محمدکاسه‌چی



فدائی شهید
رفیق اصغر پشامی



فدائی شهید
رفیق فتحعلی پناهیان

پزشکی را سازمان داد تا رفقای که در درگیری‌ها آسیب می‌دیدند، از طریق امکانات پزشکی سازمان، مورد مداوا قرار گیرند. رفیق فتحعلی پناهیان، در ماه‌های آخر به عنوان یکی از کادرهای عملیاتی در بخشی که رفیق حمید اشرف مسئول آن بود، فعالیت داشت. سوم بهمن سال ۵۳، در بقیه در صفحه ۱۳

پس از مدتی کار و اقامت در تهران عازم جنوب کشور شد و در کاخ‌های جنوب به کارگری پرداخت. در سال ۵۱، در ارتباط با سازمان قرار گرفته و به نحو سازمان یافته‌ای به فعالیت‌های انقلابی خود ادامه داد. آموزش‌های سیاسی رفیق، عمدتاً در این دوره صورت گرفت. طی سال‌های ۵۲-۵۱ کمیته

فدائی شهید
رفیق فتحعلی پناهیان
چریک فدائیی خلق رفیق فتحعلی پناهیان، ۲۸ مهر ۱۳۲۹ در شهر تبریز متولد شد. فعالیت‌های سیاسی خود را بطور منظم در سال‌های ۴۹-۵۰ آغاز کرد. از تابستان سال ۴۹ به منظور آشنائی با زندگی کارگران و تماس با محیط‌های کارگری، کارگر ساختمان شد. او



چریک نازک اندام،
تنگ بدست
ویانکی غول بیکر، سر به زیر
در راهند
آری! شکمی سیرویر
همتراز با قلبی دلیر تواند شد.

ژانویه ۱۹۶۷
توهو
(بزرگترین شاعر معاصر ویتنام)

یک خلبان هواپیمای ب ۵۲ پس از سقوط بمب افکن و اسیر شدن به دست چریک دختری به نام "کیم لای"

انتصاب؛
محمد عرضی، سردسته رابندگان فرزندان آیت الله طالقانی
و یکی از سرکوبگران خلق ترکمن، به استانداری خوزستان منصوب شد!

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر